

اوضاع افغانستان

مقاله زیر توسط سازمان اخگر (تدارک) بنظور تأسیس و ایجاد حزب کمونیست افغانستان - م. ل. ل. برای درج در پیکار خلق در اختیار ما گذاشته شده است.

* * *

میهن عزیز ما امروز در شرائطی بسر میبرد که در تاریخ چند دهه اخیر آن بیسابقه است. تضادها و بیضاماری بویژه تضاد بین قطب بندی جناح حاکم بسرکردگی ابر قدرت سوسیال امپریالیستی روسیه و اکثریت خلق رشد و فزونی یافته و بسرعت تکامل میکند.

کشور امروزی افغانستان که بیک مستعمره نام کمال روسیه امپریالیستی تبدیل گشته است و تحلیل و تجزیه مناسبات افغانستان از دیدهای متفاوت و گاهی هم متضاد با یکدیگر بعمل می آید که اصولاً هر تجزیه و تحلیل آن در عقبگاه خود منافع طبقاتی مشخص را حفظ میکند. ولی آنچه که جنبش کمونیستی کشور مادر شرائط حاضر از نظر ذهنی و عینی ره میزند، تحلیل آن نه بر موفقیت های آتی و شکست های امروزی بلکه از دید دراز مدت و بالاخره اینکه باید خلق افغانستان برهبری ستاد پیشاهنگ پرولتاریا این مناسبات کهنه را در هم بریزد و در عرض مناسبات و استروکتور نوینی را جایگزین آن سازد - چه اینکه امروز این ابر قدرت امپریالیستی (روسیه) و یا قدرت امپریالیستی غرب به سرمداری امریکا منافع خلق کشور مارا بحیب بزنند.

یا بگفته رفیق استالین، در گذشته بین روشنفکران مارکسیست و آنارشیهست ها بحثی بود بر سر اینکه روسیه را که نجات دهد داد؟ آنارشیهست ها پاسخ میدادند که خورده بورژوازی. مارکسیست ها میپرسیدند چرا؟ آنارشیهست ها جواب میدادند برای اینکه خرده بورژوازی اکثریت را تشکیل میداد در ضمن پابرهنه است. مارکسیست ها پاسخ میدادند که فقط نجات روسیه بدست پرولتاریا - امروز اکثریت را تشکیل نمیدهد ولی طبقه ای است در حالت تکامل و پیشروی و از همه پابرهنه تر است. نقل از جزوه آنارشیهسم یا سوسیالیسم از استالین.

از این رو به اثبات رسیده است که کمونیست ها آنچه که تکامل و پیشرونده است و چرخ تکامل تاریخ بر محور آن سیر میکند مد نظر داشته نه نیروهای که از نظر تاریخی و بافت اجتماعی میبندد و زوال یابنده است این هرگز به این معنی نمایش داده که از قشرها یا طبقات که نیروی کلکی به این چرخ تکامل بحساب می آید و در لحظات معین تاریخی کمونیست ها از آنها پشتیبانی نکنند.

بقیه در صفحه ۴

عوام فریبی حزب توده

اخیراً حزب "توده" مراسمی در بزرگداشت خسرو زورنه، کمونیست قهرمان و همپیمانان او چون سیامک مدنی، مختاری و... برگزار می نماید تا بدین وسیله به توده های زحمتکش خلق ما چنین وانمود کند که گویا سرشت این حزب (در سیاست و تشکیلات) با سرشت این قهرمانان پیوند ناگسستنی دارد!! ولی سرشت انقلابی کبیری چون خسرو زورنه کجا و منفعت جوئی چون کپانیوری و شرکا کجا.

ما اینک برایتان نمونه هایی می آوریم که معلوم شود حزب "توده" چگونه سرشت واقعی خود را نشان داد و اینگونه مراسم اطراف آنان نه بخاطر بزرگداشت حقیقی آنان قهرمانان خلق است، بلکه حيله ای است که بوسیله آن از طریق برانگیختن احساسات واهی، به تبلیغ و ترویج خط و منش...

روزیونیستی خود دست می یازد. عمده رهبران سابق و فعلی حزب پس از حمله ارتجاع در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، نه تنها به اعضا حزب و هواداران آن درس سپایدی ندادند بلکه به آنها، که در جنگال ارتجاع حاکم گرفتار بودند، دستور نوشتن توبه نامه و تنفرنامه از حزب را میدادند. آنها بدین ترتیب به ایده آل های کمونیستی، که در پیش چشم خلق در مبارزاتش تجلی می یافت، خیانت ورزیدند. به خسرو زورنه این قهرمان کمونیست نامه نوشته و او را بدلیل عدم وجود شرائط انقلابی "به خارج شدن از کشور دعوت مینماید". توگوئی که ایجاد جو انقلابی از وظایف کمونیست ها نیست ولی زمانیکه با جواب دادند آن شکن روزنه قهرمان مبنی بر ماندن نشد در کشور و همه مبارزه با رژیم پهلوی و برپا شدن شور و اتحاد را در جبهه جوشان کرد و هزاران مثال دیگر. یک گروه، سازمان، حزب زمانی حق دارد از مبارزاتی که در راه بقیه در صفحه ۵

درباره

مذاکرات کردستان

خلق کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش و در ارتباط با آن برای دفاع از آزاد بپایداری است آورده شده که در گریبان یابوده اند، برای ایجاد ایراد آزاد و مکرانیک با خواست و نیروهای پراکنده خود را سازمان داد. قدرتمندانی که دید که از ادامه این مبارزات در کردستان بیمنال بود، فورا در کردستان بادی ستیاری فتود الهیا و قیامده های رژیم سابق، دست به سازماندهی علیه خلق کرد زدند. از اینجایک سلسله عملیات حنا پیکارانه بوسیله ها - کمان جدید آغاز میشود. با فرمان آیت الله خمینی، جبهه علیه کرد هابه نقطه اوج خود میرسد. بمباران ها، تیرباران کردنها، آواره کردن آنها از جانب ارتش ضد خلقی و پاسداری از آنها میگیرد بقیه در صفحه ۶

زنجیر روی زمین اتصا

پیکار خلق

(۲۷)

نیمه دوم آبان ۵۸

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

نابیزرون راندن کامل امپریالیسم از میهن از پای نخواهیم نشست

امپریالیسم آمریکا دشمن خونخوار خلق های جهان است. امپریالیسم آمریکا نقد رجنایت و کشتار در سرتاسر گیتی کرده است که مردم همه جا باینکه و نفوذ از وی نام می برند. مردم جهان در این میان خلق های میهن ما کینه و نفرت عمیقی از امپریالیسم آمریکاییه دارند و به همین دلیل شعله های آتش مبارزات مردم جهان علیه وی هر روز سرکش تر و فزاینده تر میشود و مسلماً در پی ازود امپریالیسم و سیستم های وابسته با آنرا نابود خواهند کرد. مردم میهن ما مبارزات قهرمانانه خود بزرگترین و زامپریالیسم آمریکا را ببران یعنی رژیم فاشیستی شاه خائن را در قیام پر شکوه بهمن ماه درهم کوبیدند. از همان فردای قیام سه دیدگاه در عرصه جامعه ما خود نمائی می کرد:

۱- پس از قیام، مردم مصممانه خواهان آن بودند که دست امپریالیسم آمریکا و کلیه امپریالیست ها از میهن ما کوتاه شود. از آنجا که سرمایه داری بزرگ در لایه های قوی قوت الیسم و مالکین بزرگ ارضی پایگاه اجتماعی اصلی امپریالیسم در کشور ما را تشکیل میدهند لذا مبارزه علیه امپریالیسم می بایست با مبارزه علیه سرمایه داران دلال و مالکین بزرگ ارضی در یک مسیر جریان یابد. هدف این مبارزه درهم کوبیدن تمام دستگاه های حکومتی سابق با کلیه ضما آن یعنی متلاشی کردن مجموعه سیستم و بنای کهن بود. نیروهای انقلابی و در رأس آن بقیه در صفحه ۲

دروود بر مبارزات کارگران بیکار

در روز شنبه پنجم آبان ساعت صبح طبق قرار قبلی کارگران بیکار در مقابل وزارت کار جمع شدند. در بین کارگران بیکار ده های از بیلمه های بیکار نیز چشم میخورد. حدود ساعت ۱۰ همه کارگران بر روی زمین مقابل وزارت کار نشستند و به سخنان نمایندگان خود گوش فرامیدادند. ابتدا یکی از نمایندگان خواهشهای کارگران را چنین برشمرد:

- ۱- ایجاد کار ۲ - پرداخت حق بیمه بیکاری
- ۳ - آزاد کردن خانه کارگر. وی سپس خطاب به سرمایه داران زالو صفت و دولت بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر:

- مستحکمتر باد اتحاد همه کارگران...
- اخبار کردستان
- درباره اصول اقتصادی مجلس...
- نامه یک دانش آموز
- رویدادها و اخبار کوتاه
- کار و سازماندهی در میان طبقه کارگر
- شرحی از اوضاع شرکت صنعتی...
- شرائط معلوم شدن یا تقشیش عتاید؟
- مولوی دلال امپریالیسم
- در بلوچستان چه میگذرد؟
- پیام سازمان انقلابی زحمتکشان
- کردستان

خلق را متحد کنیم امپریالیسم و عمالش را درهم کوبیم

نابیرون •• کونیستهای خواست و می مردم و اولین مسیرو واقعی انقلاب را تمام نوشته هاو بیانییه ها و اعلامیه های خود با دقت کامل فرموله و اظهار نمودند .

۲- بورژوازی لیبرال و روحانیت اشرافی که در ائتلاف یابختی از بورژوازی دلال و بانایید ضعیف امیرالیسم به قدرت رسیده بودند ، موجودیت و دام و بقای حاکمیت خود را در حفظ پایه های بنای کهن و بازسازی و مرمت نهاد هائیکه شالوده "سلطه" امیرالیسم را تشکیل میدادند ، میدید . هیأت حاکمه "جدید" یعنی دولت و شورای انقلاب در تمام زمینه ها عناصر مترجم و وابسته به رژیم سابق را به خدمت میگرفت . مسیر مبارزات ضد امیرالیستی و ضد ارتجاعی مردم را منحرف میکرد و بر آتش مبارزات ضد امیرالیستی خلق های میهن مآل سرد می پاشید . هیأت حاکمه "جدید" از هیچ کوششی برای مهار کردن نیکه و تنفر ضد امیرالیستی ضد ارتجاعی مردم فروگذار نر نمود . آنجا که یگرنی - توانست مبارزات توده مردم و در رأس آنها نیروهای انقلابی را کالام زنده دست به سرکوب مردم میزد . هیأت حاکمه "جدید" پس از ماهه افزایش هیچکدام از قرار داد های اسارتی را با امیرالیسم را لغو نکرد . سیاست ارز کشور را همچنان در وابستگی کامل به لیوول لیسم باقی نگذاشت . بسیاری از قرار داد ها با امیرالیسم آمریکا را تجدید نمود (خرید و سایلید کی نظامی) . قرار داد های اقتصادی یگدی با امیرالیسم ژاپن بست (در زمینه پتروشیمی) . قرار داد های اقتصادی با امیرالیسم آلمان را حفظ نمود (قرار داد مربوط به راکتور های اتمی) . تمام امتیاز های امیرالیست ها ، در مورد نفت کالکان بقوت خود باقی است . در تمام ادارات دولتی و وزارتخانه ها کالکان عناصر مترجم و وابسته به رژیم سابق بسر مقامات و زندگی مردم حاکم هستند و فساد و رشوه گیری رایج تر از رایج می باشد . گرانی ، بی مسکنی ، بیکاری ، احتکار و زندگی مردم را تحت فشار قرار میدهند در نتیجه تمام انتظارات مردم از دولت و ارگانهای اجوا آن ، که خود را تبلیغ و انقلاب می نامند ، به یأس تبدیل شده است . بدین ترتیب قدرت مردم از جدید در همه جا مستقیماً و آشکارا در مقابل توده مردم قرار گرفته اند و پایه های خود را نیز در زمین مردم از دست می دهند .

۳- امیرالیسم آمریکا که با سرنگونی رژیم شاه ضربه خورده بود ، بوسیله اعمال داخلی خود ، دست به تشوکه های بی شماری علیه خلق های میهن مازده و می - زند . امیرالیسم آمریکا یک روز نیروی ویژه تشکیل داد و به خلیج فارس گسیل داشت ، روز بگر نمایندگان سنای کشیف آن علیه اعدا انقلابی خائنیتی مثل الفا - نیان و غیره لجن پراکنی کرد و امروز نیز شاه جلا را که دستش تا رنج بخون هزاران نفر از مردم میهن ما گشته است ، در ریانه خود می گیرد . امیرالیسم آمریکا با این عمل خود یکبار دیگر نشان داد که وی دشمن قسم خورد "مردم" ما است و بین خلق های میهن مساو امیرالیسم در بیانی از خون شهیدان قرار دارد . پناه داد به شاه جلا توطئه "بیشماره" ای است توسط امیرالیسم آمریکا . اینک پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران پیش از نیش روشن گردید که این سفارتخانه نبود بلکه جاسوسخانه و مرکز توطئه بود و است و اینک با رفتن شاه به آمریکا می بایست این جاسوسخانه بطور متمرکز تر از آمریکا رهبری شود . بر ملا شدن سفارت خانه "آمریکا" بعنوان مرکز توطئه و جاسوسی بخوبی نشان داد که آنیکه در زمان قیام "رحله" نیروهای انقلابی به سفارت آمریکا جلو گیری کردند و نگذاشتند که از همان

روز اول در این جاسوسخانه تخته گرد ، و سپس آقای بازرگان "بیشماره" بنام خلق ایران را آمریکا بگذرد - خواهی کرد ، در گرد راه قدم بر میداشتند ؟ قدرت حکومتی بعد از قیام که در مردم ریز قدرت یعنی "شور" انقلاب " و دولت متبلور بود مشترکاً در تمام زمینه ها در مقابل سیاستها و توطئه های امیرالیسم استانتی کردند . آنها نه تنها از لانه جاسوسی آمریکا در مقابل هجوم بحق مردم دفاع کردند ، نه تنها سولیسوان سفیر کبیر آمریکا را ایران ، که بدست انقلابیون افتاد بود ، را آزاد کردند ، بلکه خود در درون این لانه جاسوسی ما و اگر ندیدند و کمیت "سفارت آمریکا را بر سر داشتند و تحت رهبری مستقیم آمریکا کتیه های ست به تعقیب و دستگیری انقلابیون زدند . همین کمیت " سفارت آمریکا بود که مجاهد خلق محمد رضا سعادت را به جرم فعالیت در جهت کشف شبکه "جاسوسی آمریکا" دستگیر کرد و تا امروز زندان سر می برد و از همین مرکز بود که فرزند آن آیت الله طالقانی را باز در رابطه با کشف شبکه "جاسوسی آمریکا" دستگیر نمودند و یکی از افراد ی که در این توطئه مستقیم دست داشت شخصی بنام غرضی است که اینک معاون استانداری کردستان می باشد و بی ۱۵۰ نفریاد ارد رحله به خلق ترکمن نیز فعالانه شرکت داشت .

زمانیکه کونیست ها پرده از توطئه های امیرالیسم آمریکا بر می داشتند و خواهان کوتاه شدن کامل دست غارتگران امیرالیستی از میهن ما بودند ، همین سخن - گویند دولت و شورای انقلاب بودند که به کونیست ها لعن و نفرین می فرستادند که آنها می خواهند روابط و کشور را بر هم بزنند . آنها با تمام نیرو کوشیدند لایه مبارزات ضد امیرالیستی مردم را بر روی کونیست ها ، این قاطع ترین دشمنان امیرالیسم ، برگردانند و بدین ترتیب نه تنها خاک به چشم مبارزات ضد امیرالیستی پاشیدند ، بلکه امیرالیسم را در انجمام توطئه های جسور تر کردند . قدرت مند آن در همه جا بی رخیل سرمایه داران دلال را گرفتند و آنها را به باز گشت به ایران فراخواندند . آنها در همه جا از اما - لکین و قنوق الهاد مقابل دهقانان و زمینداران کوچک دفاع کرده ، آنها را مسلح نموده و در مقابل دست به سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی زدند . امیرالیسم آمریکا که هر روز شاهد قدرت یابی پایه های خود در ایران بود جسور تر و جسور تر گردید تا اینکه امروز قیام جلا در فراری خلق های ایران را به آمریکا برده است . ماکونیست ها همراه با میلیونیان توده مردم زجر دیده فریاد می زنند که شاه جلا باید بدست خلق های ایران جهت مجازات سیرد شود . مارکسیسم به ما می آموزد که هیچ پدیده ای از گذشته و آینده اش جدا نیست . یا بقول معروف گذشتہ چراغ راه آینده است . یعنی درست در پرتو شناخت صحیح از آنچه که طی ماهه اخیر میهن ما گذشتہ است میتوانیم جریانات کنونی را بررسی کرده و آینده آنرا روشن سازیم .

اینک ۱۰ روز است که سفارت آمریکا اشغال شده است . عال و جاسوسان آمریکائی در مقابل خواست بحق استر - داد شاه جلا و اموالی که وی از خلق های مغارت کرده به گروگان گرفته شده اند . مستقل از اینکه انگیزه و هدف این اشغال و گروگان گیری چه بوده است ، خود مصلحت مورد تأیید توده های وسیع مردم قرار گرفته و مسوج عظیمی از مبارزات توده ای علیه امیرالیسم آمریکا بر خاسته است . مردم در همه جابه صور مختلف و آمادگی خود را برای جانفشانی در این مبارزه اعلام نموده اند . حرف از تحریم خرید اجناس آمریکائی در میان است و اینها نشانده خشم و نفرت مردم نسبت به امیرالیسم بویژه امیرالیسم آمریکا میباشد .

این موج مبارزاتی بخوبی نشان میدهد که خواست ضد امیرالیستی در ایران پر شده عمیق در بین مردم است . تنها زمانی این مبارزات میتواند به پیروزی واقعی بیا - نجامد که نیروهای انقلابی بویژه کونیست ها بتوانند افراد رزیر رهبری سیاسی خود را آورند و توده ها را در راه مبارزه قاطعانه و تابه آخر هدایت نمایند . جناح حاکم مذهبی میکوشد که خود را بر چند ارایین مبارزات قلمداد نموده و با استفاده از کلیه امکانات وسیعی که در اختیار دارد این مبارزات ضد امیرالیستی توده مردم را به راجحه الحلت تضاد های درونی هیأت حاکمه و قدرت طلبی های در مقابل بورژوازی لیبرال قرار دهد . جناح حاکم مذهبی همانطور که در گذشته هم نشان داده است خط اصلی حرکت آن در مبارزات مردم آنست که جهت اصلی این مبارزات ضد امیرالیستی را بر روی قاطع ترین و یگدی ترین مبارزین ضد امیرالیست یعنی کونیست ها برگرداند . کونیست ها باید با اتخاذ تاکتیکهای صحیح این سوء استفاده های جناح مذهبی را عقیم گردانند . جناح حاکم مذهبی در ارتباط با اشغال لانه های جاسوسی آمریکا را ایران چه اهد می ران نبال می کند ؟

۱- واقعیت این است که در یک دو ماهه اخیر مبارزات توده ای مردم در گریارد رحال نضج گیری بود . کرد - ستان به مرکز انقلاب تبدیل شده بود و میرفت که ما - هیت لشکر کنی مترجمانه به آن سامان را در سطح توده ای بر ملا نموده و تاثیر خود را بر روی توده های مردم در سراسر ایران بگذارد . مبارزات دانش آموزان علیه سیاست های ضد خلقی آموزشی بویژه علیه سیاست تفتیش عقاید میرفت که به یک موج سراسری تبدیل گردد . مبارزات توده ای و تحصن ها و تظاهرات های بی دری کارگران و بدیلمه های بیکار و وسعت عظیمی گرفته بود . جوشهای مبارزات حق طلبانه مردم مانند مسئله - بند رانزلی و مسائل سیستان و بلوچستان آخر هائسی بودند که میتوانست از آن حریق بر خیزد . سیاست ضد خلقی هیأت حاکمه در دفاع و پشتیبانی از مالکین بزرگ ، خانها و قنوق الهاد و سرکوب مبارزات دهقانی بشارت دهنده به پیازیزی دهقانان در سراسر ایران بود . عاجز بودن هیأت حاکمه در حل مسئله مسکن و بلند شدن صدای اعتراض مردم در این ارتباط و بطور مشخص اشغال هتلها و تبدیل آن به خوابگاههای دانشجویی انگیزه ای بود برای بوجود آمدن یک حرکت توده ای . رشد بحران در زمینه گرانی و کمبود ارزاق و سایر مایحتاج مردم و همچنین اختلاس و رشوه خواری ها در ادارات دولتی و کالغد باز نهی شدیدی موجب تشدید نارضایتی عمومی مردم را فراهم کرده بود . تمام این نمونه ها بوضوح نشان میدهند که سرتاسر میهن ما بدین موج عظیم از مبارزات توده ای بود جناح های هیأت حاکمه بخوبی این خطر را درک میکردند .

چندین پیش خیمین متأثر از همین خطر اعلام نمود : " اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود دیگر نه من و نه شما و نه هیچ کس ، نه روحانیت و نه اسلام نمیتواند جلوی راجبیرد . . . اما انفجار اگر در ضمن اسلام حاصل بشود مردم با یأس از جمهوری اسلامی منفجر شوند و یگدی قابل مهار نیست . . . روحانیت اشراف من نخست کوشید با برگزاری تظاهرات و حجت امت با امام و نطق و مباحثه های بی دری از این اوج گیری مبارزات جلو گیری کند و آنها را به مهار خود در آورد . اما در این کار توفیق نداشت . برای یک چنین مهار کردنی احتیاج به یک حرکتی بود که واقعا بتواند به تمام جوانب حرکت مردم سوار شده و آنها را تحت

الشعاع قرار دهد . درست مصداق با چنین اوضاعی است که امیرالیسم آمریکا میزبان شاه جلا میشود و خشم و تنفر مردم نسبت به امیرالیسم آمریکا بیش از پیش برانگیخته میشود . در چنین شرایطی است که جناح مذهبی حاکم و یابختی از آن جریان اشغال لانه جاسوسی آمریکا را بوجوی مردم آورد و مجموعه جناح حاکم بلافاصله تاکتیکهای خود را با آن وفق میدهند . جناح حاکم مذهبی همانطور که ماهه کارنامه ۹ ماهه وی اشاره کرد به ما مهیتا می خواهد و نه میتوانست حتی در حد خرد و بورژوازی مکررات علیه امیرالیسم بجنگد . بنابراین هدف وی بیش از آنکه بخواهد میهن یک حرکت ضد امیرالیستی و میهن پرستانه باشد نیزنگی است در جهت فریب مردم و بخاطر منحرف کردن مبارزات آنها . جناح حاکم مذهبی در رأس آنها مترجمینی مانند بهشتی ، رفسنجانی ، چهراب و غیره که در رزفشار مبارزات فزاینده توده مردم قرار گرفته بودند و هر روز پایه های خود را در زمین مردم بیشتر از دست میدادند مجبور بودند برای دست آوردن وجهه و باره دست به یک چنین حرکتی با قدرت بسیج کننده وسیع بزنند . آنها از یک سوء شاهد اوج گیری مبارزات مردم بودند و از سوی دیگر شاهد منفرد گردیدن خود ، میرفت که حاصل این درووند آن گرد که جنبش توده مردم خود را از رهبر چتر اشرا فیت مترجم و وار هاند . این امری توانست موجب تقویت پایه های نیروهای انقلابی و کونیستی در مبارزات مردم گردد . لذا هدف انحصار طلبان مذهبی بهیچ روی هماهنگی با مبارزات ضد امیرالیستی توده های زخم کش نبوده بلکه سوار شدن بر آن ، منحرف کردن و استفاده از آن برای سرکوب جنبش انقلابی و کونیستی می باشد .

۲- از یکسو تضاد جناح انحصار طلبان مذهبی با بورژوازی لیبرال بر سر محکم تر کردن موقعیت خود در قدرت حاکمه سیاسی حاد تر می گرد و از سوی دیگر باز یک شدن با بیان کار مجلس خبرگان ماهه مرحله تشییع موقعیت جناح مذهبی از نظر قانونی و عملی نزدیکی - شوم . قسریون مترجم مذهبی که مجلس خبرگان را در انحصار کامل خود در آورده اند اینک می بایست که دست یخت خود ، قانون اساسی را ، به همه پرسى عمومی بگذارد و بر این اساس نمایندگان مجلس شورای ملی و رئیس جمهور را انتخاب نمایند . این همه پرسى و انتخابات برای تثبیت قدرت حد اقل در چهار سال آینده و دارای اهمیت بسیار زیاد است . لذا اجتاح روحانیت حاکم احتیاج به آنچنان فضای از افکار عمومی دارد که در تحت آن بتواند بعنوان حاکم ملای از این مبارزه بیرون آید . از سوی دیگر بخشهای زیادی چه از خود مذهبیون ، وجه از لیبرالها وجه بخشش از توده مردم ، علناً اعلام مخالفت با این قانون اساسی کرده بودند . وجهه ملی و حتی بازرگان رسماً خواسته تجدید به نظر را اصول قانون اساسی شده بودند . جناح آیت الله شریعتی در این توجیه به نفوذی که در آن ریایان دارد حتی در مقابل مجلس خبرگان جلسات بحث هفتگی برگزار می نمود . مردم مکرر سنگ علناً علیه هیأت حاکمه می جنگند . اقتضای از مردم یا علناً به مخالفت برخاسته و یا نسبت به مسائل سیاسی بی تفاوت شده بودند . برای روشن شدن این مطلب کافی است که به درصد آزاد رفتن مردم جمهوری اسلامی ، انتخابات مجلس خبرگان و شوریه شهر ((این آخرین به ۱۰ الی ۱۲ درصد رسیده بود)) توجه گردد . بنابراین جناح روحانیت اشرا منش احتیاج بدان داشت که قبل از هر چیز با متحد کردن کامل قدرت بورژوازی بقیه در صفحه ۱۱

حاجی آن گفت: ... زندگی کارگر، حق کارگر با خانه کارگر است. آن خانه همیشه شما را میترساند. آن خانه خانه تاس طبقه کارگر بایکد یگراست. خانه کارگر باید بدست نمایندگان طبقه کارگر داده شود. آیا یاشماخیال میکنید مادرخواهیویا نمیدانیم که شما میخواهید خانه کارگر را در اختیار کارگر بگذارید؟ کارگر بگذارد؟ ولی ما خواستار آزادی خانه کارگر بدست نمایندگان واقعی کارگر هستیم. شما خدمت گزارانی دارید که مرتبه لباس کارگری درمیپوشند و زمانیکه اجتماع کارگری را میبینید ادعای خانه کارگر را میکنند. ما ندیدیم هرکسی را با هر لباسی که برای تفرقه کارگران قدم بر میدارد محکوم کرده و میگویم پس از آن حتی که بوسیله کارگران تهیه شده بود قرائت شد. قسمتی از آن چنین است: "بطوریکه اطلاع دارید برای درخواست حقوق اولیه حق بیگاری و تفرقه بیمه و آزادی خانه کارگر چندین بار در جلوی اداره وزارت کار مورد کارگری جمع شدیم. بعد از گذشت سماعه و مبارزه برای آزادی خانه کارگر هیچگونه ترتیب اثری داده نشده است. ما میخواستیم بطور آشکار اعتراض کنیم که تمام درهای مسالمت آمیز توسط دولت و وزارت کار به روی ما بسته شده است. چون همانطوریکه معلوم است دست اندرکاران خواستار تجدید جریانات بندر انزلی میباشند. حال مادر مقابل شما اعلام میکنیم که ما خواهان آزادی بدون قید و شرط خانه کارگر میباشیم. اگر چنانچه برای آزادی خانه کارگر مثل مسئله عزیزمان، ایران، جوانان خود را هم از دست بدیهیم دستبردار نبوده و تسلیم نخواهیم شد و مسئولیت هریک از اینها به وزارت کار خواهد بود. بگذارتا تمامی کارگران جهان و بخصوص کارگران ایران بدانند که ما کارگران برای بازپس گرفتن تمام حقوق خود از جمله خانه کارگران بر یک نهاده و آماده هرگونه جان بازی هستیم" سخنگوی دیگری آنچنان به افشای دولت حاجی سرمایه داران پرداخت و دوز و لکهای آنها را رو کرد که همه کارگران با جملات صحیح است. صحیح است مرتباً سخنان او را تأیید می کردند و گفت: "از اول قیام ۲۲ بهمن شروع کردند گفتند دولت ملی، دولت انقلابی، ما میخواستیم بدانیم با اسم سروکار داریم یا با حقیقت؟ اگر فرض نکنیم باشید شاه این مردک بیشتر و خونخوار در پشت تلویزیون همیشه میگفت من هوادار زحمتکشان هستم. میگفت یا نمیگفت؟ (جمعیت: میگفت) میگفت (ماجرا کارگر؟) مگر خون ماران خورد؟ (جمعیت: خورده خورده). دولت ملی که آمد روی کار چیکار کرد؟ من آمادم گلوله خوردم هستم از هیچ چیز نمیرسم. همه ما آمادم گلوله خوردم هستم. (جمعیت: صحیح است) دولتی که به خودش لقب ملی و انقلابی داده هیچکاری برای ما نکرده است. اینان نیز فقط در حرف از ما طرفداری میکنند ولی هیچگاه در جهت تأمین منافع ماعطی انجام نداده اند. تنها اسم رژیم خونخوار پهلوی را عوض کرده اند. وزارتخانه هادارات در همه جا فقط عکس عوض شده است. همه قوانینی که سالیان سال خون زحمتکشان را یکیده هنوز با بر جاست و مویه مواجرا میشود. قوانین حمایت از سرمایه داران. قوانینی که برای سرمایه داران و بدست مزدوران آمریکایی تصویب شده بود بازهم اجرا میشود. هیچ یک از این قوانین لغو نشده است. اگر بگوئیم کاری نخواهیم، فوری در جواب میگویند کار نداریم. صبر

داشته باشید. کسی نیست از این پیغوزها بی - شرفهای خونخوار بهره انقلاب کردیم یعنی اینکه کی گرسنگی بکشد. فقط کارگران فقط زحمتکشان؟ قیمت اجناس چند برابر شده. این را سرمایه دارها خونخوار بالا میکنند. میدانید چه کسی از سرمایه دارها حمایت میکند؟ جمعیت جواب میداد: دولت، دولت، از چی باید بترسیم؟ مگر همین ماها نبودیم که اول راه افتادیم توی خیابانها بعد رفتیم یادگانه را تسخیر کردیم. سلسله روی دوشهای ما بود، بعد دادیم به مأمورین کتیه. مگر ما نبودیم؟ (جمعیت: چرا ما بودیم) شما آن روز نرسیدید. تا زمانیکه ترسیم سرمایه دار بر سر ما حاکم خواهد بود. اخیراً ساواکیها در وزارت بزرگانی پیدا شده اند. این تنها یک ساواکی نیست. این سیستم ساواک است که هنوز بر سر ما حاکم است. مگر لیست سازمان امنیت دست آنها نیست؟ دست دولت نیست؟ چطور میتوانست یک ساواکی تا مرز استانداری پیش برود. کی این کار را میکند؟ بازگان میدانست این موضوع را تمام وزیران میدانستند. چرا جلوی را نگرفتند؟ چرا بعد رو کردند؟ مگر ما قبلاً نگویم که تمام معاملات هنوز با آمریکا است. پس چرا آنها میگویند مگر بر آمریکا. مگر بر آمریکا باید در عمل ثابت بشود و نه در حرف. الان بزرگترین مسئله که اجتماع را تهدید میکند مسئله بیگاری است. میگویند صبر کنید. با صبر چه کاری میشود کرد! صبر که در مدار او نمیکند! چرا به سرمایه داران وام میدهند؟ سرمایه دار کار میکند یا کارگر؟ (جمعیت: کارگر). اگر این وامها را در اختیار زحمتکشان میگذاشتند مگر خود ما کامیونریم؟ ما میگوئیم کار میخواستیم. کار برای بیگاری بدون سر مایدار. در این زمان نیز کارگری از کارخانه نورد اهواز در مورد جنگی دستگیری خود و ۱۲ نفر کارگر دیگر صحبت کرد و اینکه بدستور اسپهبدی بازداشت شدند و با فجیعترین روش و پس از بستن ۱۴ ساعت چشمهایشان به زندان قصر تحویل داده شدند و ۱۶ روز بدون بازجویی و تشکیک پرونده در زندان بودند. در زندان نیز به اعتصاب غذا دست زدند. سرانجام پس از آزاد شدن از زندان و مراجعه به کارخانه متوجه شدند که آنها را از کار اخراج کرده اند. برای تمام صحبتها هم سند و مدارکی داشت که باز کار تاریخ و شماره اسناد به جمعیت ارائه میداد. سپس حکم های محرمانه ای را که باضا اسپهبدی و حاوی حقو قهای کلانی چون ۲۲ هزار تومان و ۳۰ هزار تومان بود نشان داد. پس از اینکه چندین کارگر سخنرانی ایراد کردند ساعت ۴/۱۰ قرار بر این شد که نماینده کارگران به اطاق وزیر کار رفته و یک بار دیگر خواستهای خود و همچنین تصمیم خود را مبنی بر باز کردن درهای خانه کارگر به آنها بگویند. ساعت ۳/۱۱ نمایندگان بازگشته و گفتند که آقای وزیر کار گفته است ما بازم باید صبر کنیم تا آنها تصمیم بگیرند. ولی ما به آنها تا ساعت ۲ بعد از ظهر مهلت دادیم که تصمیم بگیرند. قرار بر این شد که بطرف خانه کارگر حرکت کنند و تا ساعت ۵ آنجا منتظر بمانند. صف کارگران براه افتاد. دیپلمه ها نیز در آخر صف بودند کارگران شعار میدادند: "زن و بچه گنه سیر صبر سیر نمیشه، دولت سرمایه دار حرف سیر نمیشه" اعتصاب حقوق زحمتکشان، ارتجاع دشمن زحمتکشان "خانه کارگر، سنگ زحمتکشان آزاد باید گسرد

سند یکی واقعی در خانه کارگر ایجاد باید کرد. "کار کار، بدون سرمایه دار، اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار". "بیمه بیگاری پرداخت باید کرد". "کار - صکن - آزادی، شعار زحمتکشان" "کارگر انزلی، شهادت مبارک". مردم در خیابان صف تظاهرات را تشنا میکردند و هیچگونه عکس العمل منفی از خود نشان نمی دادند و حتی بیشتر اوقات کارمندان ادارات و یا مردم کنار خیابان اعلام همسنگی میکردند. در جلوه مدرسه پسرانه هخامنش دانش آموزان از پشت پنجره ها و یا از بالکن بنفع کارگران شعار میدادند: "کارگر - کارگر - زنده بکار توایم" و بدین ترتیب همسنگی خود را نشان میدادند. او دانشکده دامپزشکی عدای از دانشجویان به کارگران ملحق شدند. در این میان عدای از مردم عادی نیز بصف پیوستند. صف هر لحظه طولیتر میشد. تعداد به چند هزار نفر میرسید. ساعت ۳/۱۲ نزدیک دانشگاه زنجیرها محکتر شد. عدای از او با نشان حزب اللهی قصد حمله و خرابکاری داشتند. تعداد آنها فقط ۳۰ نفر بود. آنها با دیدن نظم تظاهر کنندگان و همچنین پشتیبانی مردم گویشان را کم کردند. کارگران در این بین شعار میدادند: دردمان درد شماست مردم ما ملحق شوید. بالاخره ساعت یک به خانه کارگر رسید و همه روی زمین نشستند و کارتهائی بدین ضمونها بچشم میخورد: "ما کارگران کسب مقیم طهران پشتیبانی خود را از کلیه کارگران و فارغ التحصیلان ایران اعلام میکنیم" "کارگر قهرمان ستون انقلاب است - حمله به کارگران، حمله به انقلاب است" "دیپلمه ها، بیگاری ناشی از نظام سرمایه داران است، نه انقلاب" "ما خواهان اخراج عوامل وابسته به رژیم سابق و مستشاران خارجی هستیم" - کانون مستقل فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدارس عالی، "بیگاران زندانی آزاد باید گردند، کارگران بیگاری، دیپلمه های بیگاری - پیوندتان مبارک" - کانون دیپلمه های بیگاری طهران، "امریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران است" - فارغ التحصیلان - ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران و دیپلمه های بیگاری زندانی هستیم" ساعت ۵/۱ بود و دولت نیم ساعت داشت که تصمیم خود را اعلام نماید. در همین موقع پاسداران ۳ - به دست دور تا دور کارگران را محاصره کردند. یکی از نمایندگان کارگران بالای دیوار خانه کارگرفت و شروع به صحبت کرد: "ما را محاصره کرده اند ولی ما از گلوله نمیرسیم. آقایان پاسدار از خودتان برسید این اسلحه هائی که دست شما است از کجا آورداید؟ ما اسلحه ها را بشما دادیم، ما درهای یادگانه را باز کردیم و امروز میخواستیم در خانه خودمان را باز کنیم. ما از گلوله خوردن نمیرسیم ولی میخواستیم بدانیم که آیا شما جرأت دارید که گلوله هایتان را مانند پاسداران انزلی در قلب ما بنشانید؟ (حالب اینجا است که پاسداری میگفت: نه) شما میگویند ما ضد انقلاب هستیم، اخلاکگر هستیم و شما را فریب میدهند. فقط سرمایه داران ضد انقلاب هستند، نه کارگر! فقط سرمایه داران هستند که وحشت دارند کارگران در خانه خود جمع شوند و تشکیلات واقعی خود را درست کنند. کارگران میدانند که وحدت کارگرها احتیاج به مکان دارد. مکان که بوجود آید، همه از درد های یکدیگر باخبر میشوند. درد ها قطره قطره جمع شود و انگهی دریا شود. و این کثافت

سرمایه داری را میشوید و میباید. اگر ندان خان کارگر ما دلیلی بجز وحشت آنها دارد، پس چرا حزب توده که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران قبولش ندارند دست در کار است و باید خانه ای داشته باشد ولی ماند داشته باشیم "جمعیت یاد افشار و کف زدن از نماینده خود پشتیبانی میکرد. وقتی شعارهای کارگری بر علیه سرمایه داران داده میشد کارگران واقعا شور داشتند، همه خشم و نفرت خود را با دستهای گره کرده خود ظاهر میکردند. یک ربع دیگر وقت داشتند. سر ساعت دو میبایست خانه کارگران بدست آهنگین کارگران باز شود. جمعیت منتظر بودند. در همین زمان تعداد زیادی دختر دانش آموز نصف پیوستند و روی زمین کنار کارگران نشستند. در این میان حتی روزنامه هم برای آتش زدن و مقابله با گاز اشک آور در بین جمعیت پخش شده بود. در لحظات آخر یعنی دو دقیقه به ساعت ۲ دولت اعلام کرد که درها را باز کنند. البته قبل از اعلام دولت تعدادی از کارگران از دیوار خانه کارگر بالا رفته و خود را به آنطرف دیوار رسانیده بودند. هنگامیکه در باز شد و شور و شوق زائد الوصفی کارگران را فرا گرفته بود. آنها با صف منظم وارد حیاط شدند: کارگر پیروز است - سرمایه دار نابود است یاشاسن کارگر - درود بر کارگر - زندیاد کارگر اینها شعارهائی بود که خیابان را بلرزاند. خسته بود، برآستی که کارگران قدرت خود را با اتحاد و یکپارچگی خود بشویند رسانیدند. کارگری میگفت "از روزی که خانه را گرفتند دلم نیامده پام را اینجا بگذارم تا به امروز که دوباره خانه مال خودمان شد". دیگری میگفت "چند وقته که بیکار کارگر شهرستان بودم توی طهران جاندارم. از موقعی که خانه را گرفته اند شبها در پارک میخوابیدم ولی امشب دوباره به خانه ام وارد شدم". یکی از کارگران با قاطعیت میگفت اینجا خانه ما است، همانطوری که آن زمان از خانه به کارخانه میرفتیم امروز از این خانه وزارت کار خواهیم رفت. تا حق خود را دریافت کنیم. محل حرکت ما همیشه از اینجا، یعنی خانه خودمان خواهد بود". شب سر شام بود. کارگران دور هم نشسته و نان بربری و پنیر تقسیم شد. در این بین یکی از کارگران با چند شاخه گل سرخ وارد شد. گلها که رنگشان سنبل خون شهیدان جنبش کارگران وطن ما بود و وسیله ایده های رهائی بخش، حتمأ در آن شب هم سرمایه داران در خانه هایشان سر میزهای ملو از غذاهای رنگارنگ بخاطر پیروزی کارگران غزا گرفته و برای رفع غم و غصه بشرا بخواری پرداخته بودند. ولی این آقایان باید بدانند که تازه اول کار است و روز نبرد نهائی، یعنی روز جدال آخرین برای بگوش سپردن نظام سرمایه داری و نابودی هرگونه استثمار انسان از انسان، در پیش است. سیل خروشان در جریان است. این گوشه ای از پیکار قهرمانانه طبقه کارگر میهن ما بود و بدرستی عیان میسازد که حق گرفتنی است نه دادنی. درود بر روز دلاورانه کارگران مبارز!

پیروامون... بعقیده ما آنهائیکه با شتابزدگی کامل بدون تحلیل و برخورد سازواری ادانش مرقی به پایریزورشت کردن سائل افغانستان برونه ، یاسخت در اشتباهند ویا اینکه از نظریلات نفرم و بر نامه سیاسی دست به تحریف واقعیات زده و خیانت بر آنچه که اصول مرقی است می کنند . مانند رویزو - شستهای مدرن یا از نوع خوشحقی و بیا از نوع سه جهانی آن . از نظر رویزونیستهای مدرن که امروز در کشور ما بعنوان پیچ و مهره های ابر قدرت سوسیال امپریالیستی عمل میکنند و دیگر بحث بر سر این نیست که آنها بر اصول مرقی فقط از نظر تئوری تجدید نظر میکنند ، بلکه امروز بعنوان یک دستگاه سوسیال فاشیستی بر صند قدرت تکیه زده اند و از دیدگاه رویزونیستهای سه جهانی هم مسئله آنقدر عیان است که ضرورتی به بیان ندارد ، که آنها شعارشان چنین است : امپریالیستها ، مرتجعین ، فاشیستها ، کمونیستها همه با هم متحد شده و شعار ضد سوسیال امپریالیسم را بلند کنید .

دوستانی هم وجود دارند که بدون تحلیل همه جانبه و سره ناسره کردن آنچه که بجنبش کمونیستی میهن ما گذشته و میگذرد حرکت آنها نه بر روی پیچ و خم های تاریخی ، بلکه از نظر آنها باید بر روی یک خط مستقیم و ساده سیر کنند تا به مرحله معینی که عبارتست از انقلاب برسد . و جمعی دیگر با نیروهای بینابینی که نوله ماغ خود را بیشتر نمی بینند ، بدون اینکه از گذشته و حال جنبش کمونیستی افغانستان اطلاعی داشته باشند قرعه می اندازند و مانند پیاپیران فال دیدم جنبش کمونی افغانستان را دعوی بین نیروهای فروت فئودالی و نیروهای که خواهان " تحولات مثبت اجتماعی " اند ، می بینند . و همانطوریکه این دوستان چند سال قبل خودشان بنام اینکه ترور و خفقان شدید اجازه کار سیاسی را در بین توده های میلیونی نیده ها ، باید سلاح گرفت دست به حرکت بزنند ، از توده زده ، چطور میتوانستند تظاهرات و مارشهای چند هزاری توده های رادر کشور افغانستان باور کنند . و مسلماً این طرز دیدگاه مولود مشی خرده بورژوازی و تنگ نظرانه است که خیلی زود بدون تحقیق اصولی به تسلیم منتهی میشود .

رفقا ! وطن عزیزمان ، افغانستان امروز به سکوی پرتاب تمام عمل سوسیال فاشیستهای وطنی و شتیانیان و متحدان سوسیال امپریالیسم آنها تبدیل گشته است . روزی نیست که هوای پیاپیران و یگ ۲۱ بهدایت خلبانان روسی آسمان میهن ما را نشکافد و صدها بعب بروی خلق بیگناهان فرو نریزد . زندانهای پلچرخ بکک روسها ساخته شده است . در زندانها جانی برای تازه وارد ها نیست و بیمارستانها و مدارس را هم به زندان تبدیل کرده اند ، روستاها را به آتش میکشند در تمام شئون زندگی اجتماعی از دانشگاه گرفته تا ادارات و مدارس ابتدائی سرنیزه های سوسیال فاشیستها و مستشاران روسی سایه افکنده است . حکومت نظامی شکل فطران از ساعت ۸ شب بید تا صبح بیدار میکند . از شمال تا جنوب کشورمان یک تکه آتش و خون میبارد و در کنار این همه بیدارگری و سایه نوم فاشیستی ، منابع سرشار میهنمان توسط روسهای چپاولگر و دست نشاندهان داخلیشان غارت میشود . خلقی که خود برای سیر کردن شکش تکه نانی نیاید و صدها هزار آواره افغانی در کشورهای همجوار بشدید ترین وجهی شلاق استثمارگران را بر بدن خود میخورند ، باید صرفه هزار مستشار ناخوانده ابر قدرت سوسیال امپریالیستی روس را به پردازد دولت سوسیال فاشیستی با تمام برنامه هایی که دارد فقط صرف آژندانه ابر قدرت امپریالیستی روسیه و طبقات حاکم را بر می آورد . آنچه را که برنامه برای تحول مثبت اجتماعی مینامد ، همه یک دست در خدمت روسیه امپریالیستی و نیروهای حاکم ارتجاعی است . اصلاحات ارضی فرمایشی از بالا بدون آنکه بتواند خدشهای بر مناسبات کهن فئودالی وارد آورد و مسلماً هم نمیتواند ، بلکه پیچ و مهره های آن را رنگ و روغن زده است و آن را محکمتر کرده است . اگر مناسبات فئودالی را برهم نزنند ، آنگاه دیگر هزاران هزار تن مواد خام مورد احتیاج کارخانه های مسکو ، از کجا بدست میاید ؟ در شرایط دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتری فئودالیسم عقبه دم و دستگاه بزرگ سر - مایه داری را تشکیل میدهد و سوسیال امپریالیسم روسیه هم امروز با تمام نیروی نظامی و پلیسی با جنگ و دندان از همین مناسبات کهن که منافع آنها را تأمین میکند دفاع میکند . امروز سوسیال امپریالیسم روسیه و دیگر قدرتهای امپریالیستی با قراردادهای و سرما به گداریهای غارتگرانه از نیروی کار ارزان کارگران میهن مان استفاده عظیمی را بحیث میزنند . کارگران وطنمان بشدید ترین وجهی استثمار میشوند . از همینجا است که مسئله کلیدی انقلاب کشورمان که یک کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودال است با حل این دو تضاد عمده که یکی تضاد خلق با امپریالیسم و دیگری تضاد با مناسبات کهن فئودالی است گره خورده است . اصولاً حل این دو تضاد نه با کودتای سوسیال امپریالیستی و نه با قدرت بدست گرفتن نیروهای طرفدار امپریالیسم غرب حل میشود ، بلکه با انقلاب ملی دمکراتیک زیر رهبری ستاد پیشاهنگ پرولتاریا با شرکت آگاهانه توده های میلیونی قابل حل است . همان طوری که اشاره شد دیدیم تضاد های طبقاتی در بین نیروهای تضاد جامعه بر مبنای منافع مشخص طبقاتی آنها پدیدار میشود و مناسبات کهن فئودالی آنها هم اصولاً تبلور و بازتاب همین مبارزه طبقاتی است . از سیمای یک کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودال از نظر دانش مرقی چنین بر می آید که در شرایط امپریالیسم و شکاک و جنگهای امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان جوامع مستعمره و نیمه مستعمره تا حل انقلاب آن بدست نیروهای انقلابی مورد هجوم و زدن و بنده قدرتهای استعماری بوده است . افغانستان هم از انجائیکه چنین کشوری است نمی تواند از این قاعده صثنی باشد . امپریالیستها بر اثر ثباتی و تضاد که از جمله خصصتهای مبارز آنها است جهان را بجنجش میکشاند . تضاد بین نیروهای امپریالیستی از جمله تضاد های اساسی جهان امروز است . تبلور و قدرت نمایی این تضاد در چارچوب جوامع نیمه مستعمره در حول و حوش نیروهای مزدور داخلی و طبقات حاکم آن جوامع صورت میگیرد . تا قبل از کودتای ۲۶ تیر ۱۳۵۲ داور در کشور افغانستان قدرتهای امپریالیستی هرکدام به تناسب مختلف بهره میبردند و از جانب دیگر جنبش سیاسی و شرقی آن زمان که بازتاب خواستهای خلق بود از رشد بی سابقای برخوردار

شده بود که این وضع در مجموع به نفع قدرتهای امپریالیستی چه روسیه و چه امریکا و دیگران تمام نمیشد از این رو هرکدام خواستار منافع بیشتری از این سرزمین غارت شده بودند و در کنار تضاد های امپریالیستی تضاد خلق با ضد خلق هم حدت و شدت پیدا کرده بود و قدرتهای امپریالیستی بعلاوه تأمین منافعیان برای جلوگیری از پیشروی جنبش خلق هم توطئه می ریختند تا بتوانند با بروی کار آوردن فاشیزم از آن جلوگیری از انجائیکه روسیه امپریالیستی از امکانات زیاد تری نظیر وابستگیهای اقتصادی برخوردار بود توانست کودتای ۲۶ تیر ۱۳۵۲ در افغانستان را انجام دهد . دولت روسیه امپریالیستی بر طبق منوال کودتاگرانه اش نخستین کشوری بود که دولت افغانستان را برسمیت شناخت و دارو دسته حزب " دمکراتیک خلق " به پیروی از ارباب دست در خدمت دولت فاشیستی و کودتائی داور در میآید .

در این گیر و دار نیروهای امپریالیستی غرب برهبری امپریالیسم امریکا نمیتواند که شاهد و نظارگر اعمال رقیب در افغانستان باشند . در سالهای آخر حکومت داور این تضاد بشدت اوج میگردد و پیچ مهره های غرب در دستگاه دولت زیاد تر میشود و صافرت داور به کشورهای چور ایران ، عربستان سعودی ، مصر و کشورهای خلیج بوقوع می پیوندد . ظاهراً داور به تنسيق و ترغیب نیروهای وابسته به غرب که خودش به این طرف گرایش پیدا میکند ، با دست پر از این صافرت باز میگردد . بطور مثال قرضه ۲ میلیارد دلاری که با محمد رضا شاه میندد و اینجاست که رنگ خطر در قصر گرملین بصدا در میآید و مجله صلح و سوسیالیسم وضع جمهوری را در خطر مینماید . و شکایت حزب " دمکراتیک خلق " هم شنیده میشود . تا اینکه توطئه گران سوسیال امپریالیسم روس دست بکار شده و دولت داور توسط کودتاگران در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ سقوط میکند و این بار روسیه سوسیال امپریالیستی با حداکثر تجارب ضد انقلابی که از قبل بدست آورده بود مستقیماً مزدوران دست پرورده خود را بصندلی نشاند . و دستگاه دولت را از وجود عناصر وابسته به غرب پاک کرد و افغانستان بعد از این یک دست جولانگاه قدرت امپریالیستی روسیه میگردد . هزاران مستشار روسی به افغانستان پیاده میگردد .

حال با این بررسی مختصر میتوان نیروهای مخالف دولت را رده بندی کرد . خلق افغانستان امروز حاکمیت سوسیال امپریالیسم روسیه را با گوشت و پوست خود درک میکند . سرازیر شدن مستشاران روسی و تبدیل شدن افغانستان به یک مستعمره تمام عیار برای روسیه خلق افغانستان را مستقیماً ببارزه علیه این دولت و اربابان روسی وی کشانیده است . خلق افغانستان با قیامهای خود بخودی در شهر و روستا ضریت خود را با این دشمنان سوگند خود به آزادی و بشریت نشان میدهد و ما شاهد صدها قیام در طی همین چند ماه هستیم که همه آنها با میگهای ۲۱ و تانکهای روسی بخاک و خون کشیده شدند . مانند قیام شهر هرات که مدت سه روز شهر در تصرف خلق هرات بود و بعداً به اثر بمبارانهای روسهای جنايتكار به تعداد ۳۰ هزار زن و کودک و مرد به خون کشیده شدند و از بین رفتند .

نیروهای مذهبی : همانطور که در قبل اشاره رفت ، دولت افغانستان در گذشته از جناحهای وابسته به قدرت امپریالیستی تشکیل شده بود . پس از نیمه کودتای ترکی رقبای وابسته به غرب از دستگاه دولت توسط دست نشاندهان سوسیال امپریالیسم زوده شدند . عده ای در این رابطه منافع خود را از دست دادند و برای اینکه بتوانند از احساسات مذهبی خلقان استفاده کنند یک باره با اصطلاح مبارز دواشته از آب درآمدند و مانند قاق به انواع و اقسام احزاب و گروهها و دستجات اسلامی بر روز زمین سبز شدند . بنظر اینها گوئی زمان دولت داور ، افغانستان " بهشت برین " بوده است و امروز یکباره این " بهشت " از دست رفته و این " مدافعان " نوای خلقی ما از راه رسیدند و " سنگ خلق " را سینه کوبیدند . از اسم و رسم هرکدام تا قبل از نیمه کودتای ترکی خبری نبود . و تو گوئی که داور فاشیست و دستگاه غارتگران از پدر . صلما بوده اند و آنچه که دستجات برادرشان در کشورهای همجوار برای آنها تبلیغ و گویش فلک را کرده اند هیچ کدام صحت نداشته و اکثریت قیامها و تظاهرات و غیره حرکات اعتراضی خلق افغانستان بصورت خود جوئی و سر مویی هم به این گروهها و دستجات مذهبی ارتباط ندارد . و اینها صرفاً از این حرکات تودمائی تجارت سیاسی نموده تا با اصطلاح از رقبای همجوار خود عقب نیفتند . البته نیروهای مذهبی شرقی هم هستند که علیه دولت سوسیال فاشیستی مبارزه میکنند . ما تا لحظات تاریخی معینی از آنها دفاع مینمائیم . آیا زمانیکه دولت فاشیستی داور بر اریکه قدرت تکیه زده بود و دستش و دست طبقات حاکم ارتجاعی تا آرنج به خیانت و جنایت نسبت به خلق میهنمان بخون غوطه ور بود ، زمانیکه مانند امروز دو میلیون آواره افغانی در ایران مزه استثمار بیرحمانه سرمایه داران ایرانی را میچشیدند و هزاران هزاران بسامانی دیگر در افغانستان بیدار میگردد ، ایمن اقایان صلما کجا بودند !

زمانیکه جنبش کمونیستی میهنمان مانند گذشته تیغ دولت فاشیستی داور و طبقات حاکمه ارتجاعی را بر پشت گردن خود لمس میکرد ولی از حرکت نیامیستاد و فریاد میزد " کارگران ، دهقانان و روشنفکران و کسبه ، حزبی که واقفا از منافقان پشتیانی میکند حزب طبقه کارگراست که در بستر مبارزه طبقاتی علیه مرتجعین ، فاشیستها ، امپریالیستها و اعمال آنها تأسیس و ایجاد میگردد . ایجاد این حزب همچنان در مبارزه قاطع در تمام جهات علیه دار و دسته های ضد خلق و سوء سیال فاشیستی پرچم و " خلق " (حزب دمکراتیک خلق یا دولت امروزی) و سایر باند های اپورتو نیستی صورت میگردد . دار و دسته ضد خلق پرچم و " خلق " با حق بازی و نیزنگهای گوناگون کوشیده و میکوشند زیر نقاب " طرفداری از توده ها ، سوسیالیسم و انقلاب " به فریب توده ها پردا خته و عملاً با رژیم فاشیستی داور از طریق اشغال پستهای وزارت جاسوسی همکاری نماید تا از این طریق بتواند مشترکاً با لاشخوران محمدرهگی به ترور و سرکوب خلق و مبارزین صدیق و وطن پرست پرداخته و اعمال ضد خلقی دولت فاشیستی را " خلق " ، " سوسیالیستی " و " بقیه در صفحه ۶

عوامل فردی... اید و آلهای و آمانهایش
تایای جانان ایستادگی کردند ، سخن بیان آورد
که خود ش در راه تحقق آن آرمانهاگام بردارد .
حزب " توده " که چنین نیست فریبکار است اگر چه
خواهد چهره زرد خویش را با خون شهیدان راه
سوسیالیسم سرخی بپوشد . حزب توده از این اعمال
فریبکارانه اثر و هدف را بد نیال می کند :
یکم - به هیأت حاکمه فئودالیستی خود بداند و انود ساز
که نیروی است و با او بر سر کرسیهای پارلمانی چانه
بزند .
دوم - کسب آبرو و وجه ای برای حزب خود . و نفع
برون از خون شهیدان جهت پوشانیدن خیانتهایش
کسی چه میداند شاید تصاویری از اینگونه میتینگها
را بروی میز آرایب سوسیال امپریالیستی خود بگذارد
و آنگاه جیره فاقی کیانوری و شرکا افزوده گردد .
حال ببینیم کیانوری در مراسم بزرگداشت ازافران
کونیست در ۲۷ مهر ۵۸ چه میگوید .
" ... تمام این ۳۸ سال عمر پیرترین سازمان
سیاسی امروز ، پر است از مبارزه برای یک هدف
بدون تزلزل ، با بیگیری همیشه . توده ایها به
سمت این هدف مقدس ، هدف استقلال و آزادی و
پیشرفت اجتماعی ، به پیش رفته اند . ۳۸ سال
مبارزه ما ، ۳۸ سال نبرد همیشه خونین با ارتجاع
و استعمارگران بوده است و افتخار داریم که در
سنگر خود مان محکم ایستاده ایم . امروز ببینیم که
این همکاری ، این همدوشی ما در مبارزه چه میوه ها
شیرینی به بار آورده است " (مردم ۲۹ مهرماه ۵۸)
خوب وقت کنید که سفسطه بازار چانه مهارتی در بهم
با فتن کلمات احساس برانگیز دارند .
۱- " حزب توده با ۳۸ سال سابقه از پیرترین و بسا
تجربه ترین سازمان سیاسی امروز ایران است !!!
باید از این بهر پیرترین و باتجربه ترین درجه
قسمت و در کجا ؟ حزب " توده " خود را حزب طبقه
کارگری نامد . بفرض محال فکر کنیم که چنین است .
اگر پیروی و پیروی یک حزب طبقه کارگری میبایستی خود
را در مبارزات طبقه ، در مشکل کردن طبقه ، در
تلفیق سوسیالیسم علمی با جنبش طبقه ، در تبلیغ
و ترویج تئوریهای مارکسیست - لنینیستی و غیره ،
نشان بدهد ، این باصطلاح حزب طبقه کارگری
که امیک از این فعالیتهای سوسیالیستی را نموده ؟
که اولاً حزب طبقه ناگیر و ثانیاً در فعالیت روزمره
پیرو تباخیر تر شده باشد ؟ آتایان فکری کنند که
در میدان مبارزه طبقه با دست و کمران طرفند ؟
حزب " توده " در عرصه مبارزات اجتماعی به عوض
آنکه اید و ها و اصول خد شده ناید بر مارکسیستی رافا -
راه خود قرار دهد ، بدلیل اینکه عمدتاً یک سازمان
خود به یورژوایی بود ، اوایل سالهای ۴۰ با وجود
آمدن ریزوینویم خروشچی بد اختیارهای ضد انقلاب
وی گرفتار آمد . این حزب از آن پس تئوریهای ارتجاعی
گذاشت و مسالمت آمیز ، خروشچی را ، که عملاً سه راه
جنبش انقلابی خلقها پیوژه مبارزه کارگران علیه سر -
مایه داران بود ، تبلیغ نموده و همچنان زده و فریاد
برآورد که از راه پارلمان هم میتوان به سوسیالیسم
دست یافت !!! اینان با این عمل خویش یکی از مهمترین
اصول مارکسیسم را زیر پا گذاشتند . به عقیده
مارکسیست ها تخصص طبقاتی هیچگاه از طریق پارلمان
به انقلاب منجر نشده ، بلکه بر سر و سر نهادن
انقلاب و جلوگیری از مبارزات قهرآمیز طبقاتی مبدل
می گردد . در وقت کار و سرمایه اگر چه در یلواستکی
بهم می باشند ، لیکن این بدین معنا نیست که این
د وقت میتوانند بطور مسالمت آمیز علی الا بد در کار

هم زندگی کنند . وظیفه کونیستها اینست که همیشه
به این مطلب اساسی ، چه در تبلیغات و ترویج
وجه در عرصه فعالیت ، توجه خاص نمایند . ولسی
آیا حزب توده چنین می کند ؟ خیر . او برای این که
پشتوانه تئوریهای ریزوینویم خویش را محکم سازد
بالها از متفکران سوسیال امپریالیسم روس تئوریهای
مرتجعانه ای چون " راه رشد نیروهای مولده " را
تبلیغ نموده و تئامی سیاستهای رابراین پایه استوار
می سازد که بین کارگران و سرمایه داران صلحی جاودا
برقرار سازد . گویا بارشده نیروهای مولده (ابزار
تولید و نیروی انسانی) و بدون انقلاب اجتماعی
میتوان به سوسیالیسم رسید !!!
اگر " پیرترین " ، " باتجربه ترین " در خیانت به
تئوریهای مارکسیست - لنینیستی ، در سازش با
ارتجاع ، در تبلیغ اشتی طبقاتی و ملی و ...
منظور است ، ما قبول داریم که حزب " توده " همین
چنین تجربیاتی را کسب کرده است .
۲- ۳۸ سال نبرد همیشه خونین با ارتجاع و افتخار
داریم که در سنگر خود مان ایستاده ایم " !! آیا حزب
توده " در این گفتار محقق است ؟ بهتر است که زنگ
این حزب را بعد از سالهای ۴۰ در پیش چشم خود مرور
کنیم . انقلاب سغید امپریالیستی و در ارتباط با آن
اصلاحات ارضی رژیم و مبارزه " مردم علیه این دسیسه
هارا در قیام خونین ۱۵ خرداد با خطر بسیار و بیم
چه کسی انقلاب امپریالیستی را مثبت ارزیابی
میکرد و نتیجه آنرا به سود صنایع ایران میدانست ؟
حزب " توده " چه کسی به قیام ۱۵ خرداد مبارک
بیگانه پرستی میزد ؟ حزب " توده " . چه کسی رل
شاه خائن را در جریانات نفت ، در اصطلاح مقال -
بله اش با امپریالیسم انگلیس مثبت ارزیابی میکرد ؟
حزب " توده " . چه کسی جبهه واحد ضد دیکتاتوری
رابا آن دسته از سرمایه داران وابسته " روشن بهی " -
در زمان رژیم مغفوبه لوی مطرح مینمود ؟ حزب " توده " -
بهتر است به این نقل قول توجه نمائیم : " در روز
طبقات هیأت حاکمه ایران گروهها و عناصری وجود
دارند که نظریه اوضاع و احوال و تحول شرایط میتوا
از این بآنها موضع ترقی خواهانه ، از این بآنها شعار
ضد امپریالیستی ، از این بآنها خواست د مکرانیک
پشتیبانی نمایند " ، " بنظر ما در روز طبقه حاکمه
کونی هم اکنون نیروهای قابل توجهی را میتوان دید که
هریک با انگیزه معینی با دام رژیم کونی مخالفت
می ورزند و حاضرند در صورت پیدا شدن د ورنمائسی
امید بخش در این راه همکاری کنند " (د نیاشماره ۷
سال ۵۴) . آیا میتوان در روز رژیم شاه که وابستگی
آن به امپریالیسم آمریکا چون روز روشن بود ، مهره ها
یافت که اینجا و آنجا علیه امپریالیسم وارد عمل شوند ؟
از خواسته های د مکرانیک ، که در صورت تحقق یا -
فتش تیشه به ریشه امپریالیسم میزند ، دفاع نماید ؟
همه میدانیم که خیر . گذشته از این ، آن " د ورنما " -
امید بخش " برای عناصر هیأت حاکمه آیا چیزی جز
امید به جیال و هر چه بیشتر سترنج زحمتکشان و به
خصوص طبقه کارگر بود ؟ پس چگونه بد نظر گرگرفتن
این چنین د ورنمائتی همکاری با آنان جایز بود ؟ حزب
" توده " که نا طبقه کارگر را هم بد نیال خود بدک
می کند خود را به این همکاری مجاز میداند و بعد هم
ادعای مبارزه خونین با رژیم مغفوبه لوی را دارد !
اینان با صراحت تمام در گنیا " بهمن ۴۵ چنین
می نویسند : " شعار سرنگونی رژیم کد شعار تاکتیکی
است ، آسارنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما
باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد ؟
بنظر ما نه " . می بینیم که حزب " توده " در حقیقت

طالب سلطنت بوده است منتها سلطنتی که استبداد
نباشد و بیازبان د یگر سلطنت مشروطه باشد . اینان
برای کسب اجازه فعالیت علنی از رژیم شاه می گویند :
" ... حزب توده را میتوان بموجب قانون ۱۳۱۰
غیر قانونی اعلام داشت ؟ در کدام دادگاه ثابت
شده است که مرام و رویه حزب توده " ایران با مقررات
۱۳۱۰ انطباق دارد ؟ یعنی با اصطلاح قانون
۱۳۱۰ مرام و رویه اش اشتراکی است یا ضد سلطنت
مشروطه " ایران است ؟ " (مردم تیرماه ۴۹) .
آری اینها هستند " ۳۸ سال مبارزه خونین علیه رژیم
شاه و مفهوم محکم ایستادن در سنگر علیه ارتجاع " .
این فکر که حزب " توده " امروزه تغییر روش داده است
خیال خامی خواهد بود . اینان امروز هم میخواهند
با انواع حیل و هاشریک غار گریهای سرمایه داران
فعلی گرددند . دست به تعریف و تمجید از دولت
کونی زده و هر چه قدر تمند انجدمی گویند
تمام و کمال تأیید مینمایند و مثل همیشه منافع طبقه
کارگران را کوب میکنند . " ما پیشنهاد می کنیم که
واحد های تولیدی ملی شده با اختیارات کامل و کد
های دولت و استفاده از قدرت دولت که حق مسلم
اوست در اختیار گروههای شخصی از کارگران و معتمد
سان قرار گیرد و ما حاضریم برای اینکار نمونه هایی را
در اختیار ما بگذارند تا با همین شرایط بکار باندازیم " .
(امضا حبه کیانوری با کیهان ۱۷ مهرماه ۵۸) .
حال باید پرسید آیا این واحد های تولیدی و واقعا ملی
شده اند ؟ ملی به آن مفهومی که یک سوسیالیست
حتی در انقلاب د مکرانیک ، که همه اقشار و طبقات
خلق د هیأت حاکمه شرکت دارند ، از آن درک
دارد . یا اینکه د دولت خواسته است با استفاده
از نام پرطوطراق " ملی " تمام قروض کلانی را که صاحبان
سرمایه داشته اند از سترنج زحمتکشان این مرز و بوم
برداشت نماید ؟ آیا این واحد ها که حزب " توده " -
خواهان در دست گیری بعضی از آنهاست بطور عمده
تولیدات مونتاژی دارند و با هزاران تسعه مستقیم
و غیر مستقیم به امپریالیست ها پیوژه به امپریالیسم
آمریکامتمل نشده اند ؟ همه میدانند که ۸۰٪ از
واحد های تولیدی ایران چنین هستند . آیا فکری -
کنید حزب " توده " این مسئله را نمیداند ؟ چرا خوب
هم میدانند . پس چرا چنین پیشنهادی را بد دولت
میدهد ؟ روشن است . اونقشه های د زار دمتی
را برای نفوذ ارباب خود ، سوسیال امپریالیسم روس ،
در ایران طرح ریزی میکند . او میخواهد به اصطلاح
کنترل را در این واحد های تولید مونتاژی ، که در د
ا صنایع بیمار کشور مارا در مان نمیکند ، به عهد خود
بگیرد تا با بستن قرارداد ها با شوروی امپریالیستی
قدرت نفوذ را در میهن ما گسترش داده و مارا به
انقیاد سوسیال امپریالیست های روسی در آورد . لاید
این چنین عملی را هم حزب " توده " میخواهد به
عنوان مبارزه خونین بر علیه ارتجاع قلمد نماید !!
ما زهی خیال باطل !
۳- " امروز ببینیم که این همکاری ، این همدوشی
ما در مبارزه چه میوه های شیرینی به بار آورده است " !
باید پرسید واقعا کدام میوه های شیرین ؟ اگر میوه
های شیرین استقلال ، آزادی ، حکومت د مکرانیک
خلق می باشد که همه اینها زهان او انطفه گیری
یکسره نبوده اند ، همکاری ، بی مسکی ، بی بهنگ
زدی و فساد و ... همچنان غوغا می کند . پس
این میوه های شیرین چیست ؟ آتایان " توده ای " در
واقع آزادی فعالیت خود را به پای آزادی تمام خلق
های ایران می نویسند . اینان در آزادی مجیز گوئی
از دتمند ان ضد خلقی کونی اجازه فعالیت علنی

شرائط معلوم شدن یا تقشیش عقاید؟

" روز جمعه که از کار آموزش و پرورش کرج میگذشتم
مشاهده کردم که تعدادی د بیلمه پیکار (حدود
۸۰ نفر) در اطراف این اداره جمع شده اند .
در نظر اول فکر کردم که متحصن شده اند اما چندی
لحظه بعد متوجه واقعیت شدم .
آنها جوانان د بیلمه پیکار بودند که در انتظار صاحب
جهت استخدام بعنوان معلم گرد آمده بودند .
چیزیک سخت تحت تأثیر قرار داده و ولعت نوشتن
این نامه شد ننگه مهمی بود که از زبان تلنتک متقاضیان
شنیدم . و آن نوع سؤالاتی بود که ضمن صاحب
متقاضیان میشد . سؤالاتی که یادآور سؤالات ساوا
اماد رلیاس دیگر بود . یکی میگفت از من پرسیدند که
علت جنگ کردستان چیست ؟ دیگری میگفت میو
چقدر قرآن بلد هستی ؟ آن دیگری میگفت پرسیدند
چه چیزی مورد قبول شماست ؟ تو بدلم گفتن وایر
کسی اگر نگفته باشد حزب جدید الولاد " انحصار -
طلبان یعنی حزب جمهوری اسلامی . خلاصه از
صحبتهای متقاضیان با این نتیجه رسیدم که هدف از
مصاحبه این است که بپرسند یک متقاضی چقدر قرآن
آریا میویرا یاد گرفته و چقدر ناگاهانه و یا آگاهانه
سیاستهای تجاوزکارانه " ارتجاع حاکم را نسبت به
خلقهای تحت ستم ایران و خصوص خلق کرد توجیه
میکند . با خاطر داریم که تا دیروز تأیید " کشورگشا -
ئی " ارتش فاشیستی شاهنشاهی یعنی تجاوز آشکار
به جنبش آزاد بیخش خلق عمان ، صحت داشت بر
دیگر جناحیها از شرائط استخدام در ادارات بود .
و امروز هم تأیید بیورش بیرحمانه " ارتش سرکوبگر و لبت
جمهوری اسلامی به کردستان قهرمان شرط استخوان
د بیلمه پیکار برای عملی است . د بیرورضویت در
مضحکه رستخیز از مهمترین شروط بود و امروز هم
عضویت د حزب جمهوری اسلامی و یا تأیید آن . خال
داشتن وجدان انقلابی برای تغییر فرهنگ استعماری
به فرهنگ انقلابی به باد فرومونی سیره میشود و
برای دست اندرکاران اینکه فردی تا چه حد قرآن
بلد است و تا چه حد بر سیاستهای مرتجعانه " دولت
صحه میگذرانتها عمل بدیرش می باشد . و بدین
ترتیب به تقشیش عقاید از جوانان میبمان که بد نیال
کار هستند می پردازند و هر آنکس را که ضمن صاحب
بنوعی سیاستهای آشکارا متا د کمال تأیید نکند کد کار
گذاشته و قتریتنگ نظر را برای تعلیم فرزند ان وطن
ما میفرستند . این چنین سؤالاتی بخوبی نمایانگر
حاکموند نیستیم پلیسی برادرات می باشد که به
د نیال اخراج معلمین آگاه و مبارزان آموزش و پرورش
صورت می گیرد .
خود را دریافت کرده اند و این همان میوه شیرینی
است که حزب " توده " چیده است !
نتیجه می گیریم . حزب " توده " خون شهیدای
کونیست را وثیقه سازشکاری خود و لجن مال کردن اید
آلهای کونیستی ، وثیقه خواب کردن توده ها و لجن
آنها ، وثیقه خوشخدمتی به ارباب روسی خود و ...
قراری دهد . وی همچنین با برگزاری چنین مراسمی
می کند آن دسته از هواداران نا آگاه خود را که هنوز
به ماهیت اصلی حزب " توده " پی نبرده اند هم
چنان بفریبد .
باز هم می گوئیم که ماهیگاه افزاها " اینکه اینها
بزرگترین دشمن طبقه کارگر و بیروا و سرمایه دارانند
خسته نخواهیم شد .

پیرامون...

ولی آن زمان این دستجات مدعی بر روی منافع اربابان امپریالیست غربی نشان لیده بودند و حزب "د مکرانیک خلق" هم برای دولت فاشیستی د اود قانون اساسی مینوشت و کمونیستهای واقعیتی بودند که نگذاشتند تا حال آتش مبارزه به خاموشی گراید. کمونیستهای میهنان از همان اوان بوجود آمدن دولت سوسیال فاشیستی افغانستان با "تحلیل شخص از شرائط شخص" که جوهر دیالکتیک است دریافتند که مبارزه را مانند گذشته تا پیروزی نهائی باید به پیش برند و پرچم جنبش کمونیستی را که سالها است در این راه جانفشانیها و مبارزه کرده است بلند نگه داشته و پیش از پیش به نیرو و استحکام تشکیلاتی خود بیفزایند. سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی که متأسفانه هنوز پورتولاریای افغانستان از داشتن ستاد پیشاهنگ خود محروم است و کمونیستهای کشورمان مدتهاست که به این مسئله بعنوان وظیفه مرم جنبش کمونیستی میگردند و آتش توخانه مبارزه ایدئولوژیک را نگذاشته است که بسری گراید.

بعد از رخنه سوسیال فاشیستها به تمام سلولهای زندگی اجتماعی به اشکال نظامی، پلیسی و دستگیری بنیاماری از انقلاب بیرون و کمونیستها ترور و خفان شدیدی بر جامعه افغانی حکم فرما میکرد و متعاقب چندین قیام تودمائی و بعب باران و بخون کشیدن آنها از طرف دولت مزدور وابسته، خلق ما راهی جز باز کردن جبهات مسلحانه سراغ نمگیر و این وظیفه کمونیستهاست که خود را به آتش قیامهای تودمائی خواه مسلحانه و خواه اشکال دیگر انداخته تا که بتوانند آنها را بشکل اصولی مهار نموده و بیز رهبری خود بکشانند. نه اینکه در مقابل آن کرنش نموده و به زائده جنبش تبدیل شوند و به این عقیده که بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی هم نمیتواند وجود داشته باشد. در گرماگرم مبارزه مسلحانه شرکت کردند و دوش بدوش توده های پابرنه مسلحانه جنگیدند و اکنون هم به نبرد عادلانه خود ادامه میدهند و در بعضی مناطق توانسته اند جبهات مستقل هم شکل دهند.

و هم اکنون خبر از دستگیری دهها تن از رفقای رزمنده و فرزندان شایسته خلق ما در ارتباط به این داد و تقویت جبهات نبرد دستگیر و یا بعداً در زیر شدیدترین شکنجه های مشاوران روسی شهید شدند مانند رفیق محمد صدیق که در ارتباط به جبهه شرق هرات خبرشهادت آن در سلاخ خانه های روسی بیرون زده است و از اساسی دستگیر شدگان نظر به دلائل امنیتی نمیتوانیم در حال حاضر اسم ببریم و در نوشته های بعدی خواهیم نوشت. و این بخودی خود آشکار است، نیروهایی که بدلیل از دست دادن رفقای خود در ارتباط به تعداد جناحهای حاکم امروز حاضر شده اند که زیر لوای گروه ها و دستجات اسلامی دست بجار بزنند نه از نظر ایدئولوژی و نه اینکه آنها به منافع والای خلق می اندیشند. بدیهی است که توان و پیشبرد این نبرد را نداشته و آنچه که دولت سوسیال فاشیستی افغانستان و دستیاران روسی آن درک میکنند و از آن ترس و بیم دارند آن نیروی واقعی انقلابی است که امروز با شرکت خود و شکل دادن به نبرد مسلحانه روی آورده است. روی این نظر امروز دم و دستگاه تبلیغاتی دولت و رادیو سکو در ارتباط به مخالفین دولت داد و بیداد پیروان "افراطیون چپ" براه انداخته است و آنها بخوبی درک میکنند که دشمنان طبقاتی و آنها که تا بگور سپردن آنها دست از مبارزه بر نمیدارند کمونیستها و انقلابیون واقعی هستند و از همین روی همه روزه به توطئه های جدیدی متوسل میشوند که حتی ممکن است به بازی بر روی منافع خلق میهنان با نیروهای وابسته به غرب کنار بیایند تا که بتوانند آتش مبارزه را خاموش کنند و مشترکاً از آنچه که نیروی ویرانگر طبقات حاکمه یعنی کمونیستها و انقلابیون است جلوگیری کنند ولی زهی خیال باطل. مبارزه تا پیروزی نهائی ادامه دارد و تا ایجاد جمهوری د مکرانیک خلق سرنگون باد دولت سوسیال فاشیستی افغانستان و طبقات حاکمه ارتجاعی. مرگ بر سوسیال امپریالیسم، امپریالیسم امریکا و سایر امپریالیستها. پیروز باد نبرد مسلحانه توده ای.

مستحکم باد پیوند مبارزاتی بین خلقهای ایران و افغانستان.

در بلوچستان چه میگذرد؟

قد رتند اند جدید از کشتار خلقهای ایران هیچ ابائی ندارند. این کشتار که در کردستان و اخیراً از خلق بلوچ صورت گرفته است راهی بایست در چهارچوب خصلت طبقاتی سرکوبگران تجزیه و تحلیل نمود. قدرت سیاسی حاکم بر میهن ماترکیبی از نوزواری لیبرال و فئودالها و روحانیت اشرافی و عناصر وابسته به امپریالیسم است. این ترکیب نشان میدهد که این جناح هاد سرکوب خلقهای ایران با هم اتحاد داشته و در اینجاست که قوانینی به نفع سرمایه داران وابسته به امپریالیسم وضع میشود، فئودالهای برای سرکوبی زمینکشان روستا صلح میشوند. تسلیح فئودالها آنقدر روشن است که حتی از گفتارهای بعضی از دست اندرکاران رژیم هم آشکار میشود. محمود نجاریان دادستان دادگاه انقلاب اسلامی استان سیستان و بزن به انتقاد از خشناسلحه در بین فئودالها و ساواکیهای سابق، که اکنون انقلابی شده اند می کشاید و اینکه این عمل برای منطقه امنیت به همراه نداشته است (نقل بمعنی از اطلاعات ۱۹ آبان). کمونیستها همیشه به همکاری قد رتند اند جدید با فئودالها و سرمایه داران وابسته، که در ارتباط با سرکوب دهقانان و کارگران تجزیه میهنان صورت می گیرد همدار داده اند. اینک ماجرای سرکوب خلق بلوچ را که توسط پاسداران "انقلاب" در حین انجام انتخابات قلابی شهر صورت گرفته است، از اعلامیه های سرمچاران (فدائیان بلوچستان و سیستان) و هواداران خانه بلوچ تلخیص نموده و برایتان نقل می کنیم.

"صبح روز جمعه ۵۸/۷/۲۰ در حدود چند هزار نفر از مردم جوانان بلوچ در زاهدان که به انتخابات شورای شهر اعتراض داشتند، در حالیکه از اعمال انحصارگرایانه و خود سرانه هیأت حاکمه خشمگین و برآشفته بودند، به قصد گرفتن صندوقهای رای بطرف محل رای گیری حرکت کرده پس از بنا بود کردن و دوشین صندوق واقع در رستوران فرخی و چندین برخورد خشنونت آمیز با پاسداران، با تهاجم مسلحانه عده زیادی از پاسداران و نیروی گردن در و در اثر ترساندن و ویران نارتجک از طرف پاسداران "سلیم کهرآز" کسی که در مبارزات اخیر خلق بلوچ شرکت فعال داشت شهید گشته و زنی قهرمان بخون میغلطد و ده زیادی بیش از بیست تن مجروح میگردد که حال بعضی از آنها وخیم است. این به گلوله بستن احفانته وی - رحمانه مردم چنگاه و عابرین، کشتار وحشیانه فعال شاه را نیز توجیه می کند. آنان که کشته و زخمی شدند حتی تا آخرین لحظات حیات و توان سرور پیروزی سر می دادند. بلافاصله راد یوتلویون ارتجاعی - انحصاری حادثه را به عده ای فرصت طلب و سلوچ نما نسبت میدهند و حرفی در مورد اینکه مجروحین چه کسانی هستند و بدست چه کسانی مجروح شده اند نمیزورند. آری، این است ماهیت دستگاه تبلیغاتی

درد بدو...

و خودشان هم در محوطه سنگر گرفتند. کارگران زمانیکه با درهای بسته وزارت کار مواجه شدند بدون هیچ تأملی همگی از روی دیوار و نرد های وزارت کار بدرون رفتند. پاسدارها برای جلوگیری از ورود کارگران شروع به شلیک تیر نمودند و در این ماجرا عده ای زخمی شدند. لیکن کارگری که یک عمر رستخترین شرائط بسربرد و در مصرومیت اجتماعی امکانات بود است و در مبارزه بر علیه رژیم شاه همیشه در صفوف اول مبارزه بود و بیشترین شهید را داده است چه باکی از زده شدن آن - ۳ بدست

این حکومت و اعمال چنین حکومتی غیر از این نمیتوان انتظار داشت، و دلتی که خلق کرد، عرب و... راسرکوب و مبارزان می کشد. باید گفت که این گونه درگیرها و اعمال تنها دستاویزی است بدست هیأت حاکمه و پاسداران جنگ افروزی راسرکوب و بیچاره خلق بلوچ. اما درین حال این حرکت نتیجه ناگزیر سیاستهای چند ماهه گذشته حاکمان فعلی است. حادثه روز جمعه خشم توفنده مردم بود که دیگر هیچ امیدیه به دستگاه فعلی نداشتند.

شهید سرمچار محمد سلیم کهرآز می کیست؟

وی به سال ۱۳۳۴ در روستای نیله گو (خاش)) همچون دیگر روستازادگان بلوچ در خانواده ای کشاورز و زحمتکش متولد شد. تحصیلات ابتدائی و سپس متوسطه را تا گرفتن دیپلم طبیعی در خاش و زاهدان گذراند. شهید محمد سلیم که از در و رنج ستمهای طبقاتی و ملی خلق بلوچ از طریق مطالعات پیگیر و تماس با نیروهای مبارز آگاه آشنا گشته بود و از وسوسه بعثت فقر و تنگدستی بیش از حد پدر خانواده و عدم رشد کشاورزی منطقه تابستانها را عمدتاً در روستا و شهر همدون و دیگر زمینکشان سیستان به همراه درس و مشق و کتاب کار میکرد تا اقتصاد لنگ خانواده تحت تکفلش راه بیاندازد. پس از اتمام تحصیلات در سال ۵۶ به خدمت سربازی اعزام گشته و با وصف از دواج و تولد اولین فرزندش در قیام شوک همدن مردم ایران بدارک مسئولیت عمیق خود در قبال پیروزی خلق و بر علیه امپریالیسم جهان خوار دست به افشاری و پخش اعلامیه های توجیهی در خصوص روند انقلاب زده تاجائی که بارها به زندان افتاده و حتی چندین بار فعالیتهای سیاسی اش رویار مقابل افسران مزدور و پادگان زاهدان قرار داده و موقعیت خانوادگیش تحت فشار قرار گرفت. در محبوسه مبارزان شوک همدن مردان زیادگان گریخته و به صفوف متحد مردم پیوست و در مبارزات پیروزنده و انقلاب، رسانید. شهید محمد سلیم که اینک با گلوله های کثیف امپریالیسم به خاک و خون افتاده است، پس از انقلاب در کارخانه نیروهای مبارز همواره رفاکاری عمال دست نشانده گان ارتجاع نقش خود را بخوبی ایفا کرده و د اتم در ارتباط با قشر زحمتکش روستا بد رستی یک پیشاهنگ ورزیده هم در عمل و هم در کار و نرد یکی بانوده زحمتکش بوده است. پس از طی دوران سخت و جانگاز انقلاب و فروکش نمودن مبارزات خونین مردم مبارز و نیرو یافتن ارتجاعیون در منطقه که طاقت مبارزات حق طلبانه نیروهای آگاه را ندارند، در رختا - هرات مردم بر علیه انتخابات دروغین و انزیم سا - خته شده شورای شهر و تحریم آن شرکت جست و بهما حمله مزدور و نشانده پاسداران قد رتند اند جدید، در او ان مبارزات سیاسی اش به خاک و خون کشیده شد شهید در لحظه شهادت می گفت "برقرار باد خود مختاری بلوچستان".

دارد. کارگران دبیری هراس از مرگ انبالای توده هایدرون محوطه رفتند. پاسدارها که شجاعت و بی باکی کارگران را بدیدند، مانند موش فرار کردند و در طبقه دوم ساختمان د رانه های خود خزیدند. در همین زمان که کارگران محضن شده بودند، عده ای در زیرین وزارت کار علیه کارگران محضن شعار میدادند و ادعا میکردند که این محضن توطئه امریکا است. ولی کیست که اند که خواسته های بحق کارگران همیشه از جانب عوامل سرمایه داران و بعضی از توده های ناگاه مورد سرکوب قرار میگردد.

مولوی، دلال امپریالیسم

دکتر محمد علی مولوی رئیس کل بانک مرکزی ایران اخیراً استعفا خود را اعلام داشته است. استعفا او افراد ی وابسته به امپریالیسم چونی، تازمانی مبلغ معینی (از ۵ تا ۱۵ میلیون دلار) بدون که همه قرارداد های ارسار تبار استعماری لفسو نشوند، گره ای از مشکلات سیستم اقتصاد ی وابسته کشور مان خواهد گشود. کارمند ان مبارزان که مرکز ایران اخیراً اکتیو برای مبارزه با عوامل ساوا و کوششائی آنها، بنام کمیته تحقیق و بررسی تشکیل داده اند. آنها با تلاش فراوانی بالاخره موفق به دستیابی اسامی برخی از عناصر ساوا شدند و اند که برای آگاهی عموم در تابلوی اعلانات نصب می نمایند. اما این کار با مخالفت مولوی مواجه شده و وی آنرا به می کشد. در زمان وی همان ساواکیها، همان رؤسای فارتگر سابق همچنان بر مسند کارند. مولوی همان سیاستهای بانکی و ارزی رژیم شاه را ادامه میدهد. بانک مرکزی ایران هنوز با اکثر بانکهای امپریالیستی رابطه داشته

درباره مذاکرات...

مردم آشنای فضائی را بوجود آورده که گوید رکود - ستان عوامل پالیسیان و شاه مخلوع بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در حال جنگ هستند. جوانهای بی تجربه ما را برای برادر رکی به آن منطقه گسیل داشتند و به آنها دهه به بهشت دادند. مدتی نگذشت که برای بسیاری از کسانی که برای جنگ بر علیه "کفار" فرستاده شده بودند، روشن شد که خلق قهرمان کرد برای دفاع از حقوق خود و تمامی خلقهای ایران بیاخته و بر جبهه های "عناصر بیگانه و ضد انقلاب"، "تحریک طلب" انتهای واهی است. خلق کرد برای دفاع از خود برخاست و در این راه شهدای فراوانی داد تا آزادی را برای وطنمان ایران به ارمان آورد. مبارزات انقلابی آنها در بین جناحهای مختلف هیأت حاکمه اختلاف نظرانی را در چگونگی سرکوب این مبارزات به دنبال داشت (شیوه نظامی - سیاسی). پس از استفاده از حمله سیمانه و شکست مقضاضانه رژیم در کردستان اینک شیوه سیاسی و استفاده از آن توجه حاکمان جدید را به خود جلب نموده است. مسئله مذکور با خلق کرد دامن وسیعتری یافت به خصوص که دولت می بدین مشکلات فراوانی چون بیکاری، تورم، بحران و..... روبروست که این خود باعث بیشتر تضعیف شدنش میشود. با اضافه این که ضربات وارده از طرف مبارزین کرد رژیم را به زانو در آورده بود. بنابراین اصلاح را در این دید که فعلاً به مذاکره کرد هابنشینان تار را بین می تواند اضعاف تد رچی خود گامه و از ناپاک کردن ستان آسوده خاطر شود. بدین جهت هیأتی را برای مذاکره به کردستان روانه میسازد تا از روشی هماهنگی در بین جناحهای مختلف خود بوجود آورد و از سوی دیگر در بین نیروهای سیاسی کردستان شکاف بیندازد. "رسولان حسن نیت" در ابتدا میگویند که با حزب دمکرات، که در آزادی آزاد و فعالیت سیاسی خود حاضر به ساز-

نهایی بازیم بود، وارد معامله شوند. لیکن این جریان مورد انتقاد سازمانهای انقلابی کردستان واقع شده و اعلام نمودند که اگر آنها در مذاکرات شرکت نداشته باشند هیچ موافقت نامه ای برسمیت نخواهد شناخت. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران و سید عزالدین حسینی رئیس هیأت نمایندگی خلق کرد در ست به افشاکاری از این تاکتیک ریاکارانه رژیم زدند. سید عزالدین حسینی برای راه حل سیاسی پیشنهادت زیر را به هیأت حسن نیت میدهند:

- ۱- خلق کرد خواستار خود مختاری کامل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در چهارچوب کشور ایران است. بدین معنا که امور مربوط به ارتش و سیاست خارجی و دارائی و بودجه مملکت در دست دولت مرکزی بوده و در رقیه امور خلق کرد حاکم بر سرنوشته خویش وارد کردستان باشد. جزئیات این خواست در قطعنامه های هشت ماهه ای مهیاد و سنجید که بارها مورد تأیید توده های خلق کرد قرار گرفته، ذکر کردید.
- ۲- خلق کرد خواستار برقراری و تأمین کلیه آزادیهای مند درج در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله آزادی مذهب، مرام و معتقدات، آقا، بیان، قلم، احزاب و اجتماعات، و برابری کامل حقوق مردان و زنان و تأمین عدالت و امنیت قضایی برای همه احاد افراد مردم ایران می باشد، با تأکید بر اینکه قدرت اجرائیه باید از هرگونه تعرض محروم آزاد بماند.
- ۳- تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان از همان آغاز مورد اعتراض خلق کرد و کلیه نیروهای مترقی و همچنین بعضی از مراجع مهم تقلید بوده است. بدلیل عدم حضور نمایندگان خلقهای مستعبد و ایران از جمله خلق کرد، انجام انتخابات در شرایط نامساعد و خلعت انحصاری و غیر دمکراتیک آن، مجلس خبرگان و قانون اساسی مصوب آن مورد تأیید خلق کرد نیست لذا ما خواستار انجام انتخابات آزاد بر-

تشکیل مجلس مؤسسان به منظور تدوین قانون اساسی مطابق با اصول دمکراسی و روح شریعت اسلامیه است. برای ایجاد فضای مناسب جهت خواستهای اساسی بالا، اقدامات فوری زیر ضروری میدانیم:

- ۱- آزادی عمل کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی و برسمیت شناختن و رفع ممنوعیت و اعاده حیثیت از آنها و رفع توقیف از مطبوعات مترقی و آزاد و خواسته رسر- تا سرایران.
- ۲- انحلال سپاه پاسداران در کردستان و تخلیه شهرها و یاسگاهها از پاسداران و نیروهای ژاندارمری و خلع سلاح مزدوران محلی.
- ۳- آزادی فوری تمام زندانیان و محکومین سیاسی و بازگشت تبعید شدگان و لغو احکام انقلابی که مانع از کرد و ارجاع شغل سازمانی مناسب به افسران و درجه داران رانگاب کرد در ارتش.
- ۴- ارتش از هر نوع نقل و انتقالات نظامی ناتحقق خواستهای اساسی خلق کرد و همچنین مداخله در امور نظامی و امنیتی شهرها و روستاهای کردستان خود در این کشور و واحدهای اعزامی ارتش به پادگان های اولیه خود بازگردند.
- ۵- خود در این دولت و دیگر دستگاههای هیأت حاکمه از تحویل سلاح به مرتجعین محلی و کلیه عناصر غیر مسئول در کردستان.
- ۶- برقراری در آگاه آزاد و علنی برای رسیدگی به جنایات جنگی، عاملین کشتار و محاکمات تغییر قانونی علیه خلق کرد.
- ۷- تحلیل از شهید اکی کردستان و جبران خسارات مادی و معنوی وارده به خلق کرد در اثنای جنگ.
- ۸- در کلیه مذاکرات پیرامون حقوق ملی خلق کرد و حل مسئله کردستان کلیه مفاد قطعنامه های ماهه ای مهیاد و سنجید در قیفا باید مراعات شود. نیروهای مبارز و انقلابی خلق کرد بد رستی میدهند که مذکور همیشه از موضع قدرت میتواند شمرند.

از این جهت نه فقط از جنگ مسلحانه دست نکشید بلکه آثار شدت هم بخشیده اند، چرا که نیروی دشمن نیز همین عمل را انجام میدهد. در این راه حکمراکرات فقط به مذاکرات دل خوش کرده و در آزادی قانونیت یافتن حزن شدت به همکاری با پاسداران که خلق کرد آنها را دشمنان خود میداند، زده است و اینچنین ایجاد ست از مبارزه مسلحانه بر داشته است. این عمل نشان دهنده یک خیانت آشکار به مصالح خلق کرد می باشد. (ناگفته نماند که این چنین سیاستی از سوی توده های هوادار و معاونین حزب مردم شناخته شده است)

شرکت سازمانهای انقلابی در مذاکرات باعث میشود که اولاً از جدائی در بین نیروهای مختلف در کردستان پیشگیری شود و ثانیاً نقطه نظریات انقلابی بتواند به جای نظرات رفرمیستی وی آزار جایگزین گردد و هم چنین مسائل مورد بحث در مذاکرات بین توده ها برده شود تا از یک طرف توده ها را در سرنوشته خود شرکت داده و از طرف دیگر به ارتقاء سطح آگاهی آن ها کمک شود.

جنگ ادامه سیاست است البته با وسیله دیگری و مذکور نیز یکی از ابزارهای سیاسی است که نیروهای انقلابی و مترقی گاه مجبور به اجرای آن میشوند. اما در رخنه بیلمنیک می بایستی آنچنان عمل کرد که مکمل پیروزی باشد. با چنین دیدی است که شرکت سازمانهای انقلابی در مذاکره امری مثبت می باشد. مبارزه خلق کرد جدا از مبارزه سایر خلقهای ایران علیه امپریالیسم و کسب آزادی و استقلال نیست. بنابراین در این امر هم هدف و شی تمام خلقهای ایران و نیروهای انقلابی سیاسی آن پیروژه کمونیست را در ضرورت بسیاری می باشد.

درباره اصول...

خلق ید از سرمایه داران وابسته کرد و قوانین اقتصاد نوین بین این حرکت باشد. اما در اصول اقتصادی قانون اساسی تصویب شده در مجلس "خبرگان" اساساً صحتی از مبارزه با امپریالیسم و پیایگاه اصلی آن در ایران یعنی سرمایه داری وابسته و صنایع مونتاژ، بیان نیامده است.

اصل ۴/ ۱۲۷ که شنبه ۱۳ آبان ۵۸ به تصویب رسید چنین است: "نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی، خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است."

۱- بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سد ها و شبکه های بزرگ آب رسانی، پست و تلگراف و تلفن، رادیو و تلویزیون، هواپیمائی، کشتیرانی، راه، راه آهن و مانند اینها میشود که به صورت مالکیت عمومی است و در اختیار دولت قرار دارد.

۲- بخش تعاونی شامل شرکتهای موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا طبق ضوابط اسلامی تشکیل میشود.

۳- بخش خصوصی شامل آن رشته از کشاورزی، دامداری، تجارت، صنایع و خدمات میگرد که مکمل فعالیتهای اقتصاد دولتی و تعاونی است و به وسیله بخش خصوصی انجام میگردد. مالکیت در این بخش تا جاییکه با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدودیت قوانین اسلام خارج نشود و موجب ضرورتان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی میباشد.

تفصیل ضوابط و قلمرو هر سه بخش را قانون معین خواهد کرد.

تا اینجا میتوان گفت که اقتصاد سالم هم میتواند بر پایه سه بخش تعاونی - دولتی - خصوصی بریزی شود. لیکن این اقتصاد سه بخشی زمانی می تواند شکوفائی اقتصاد مملکت را به همراه داشته و بر علیه سرمایه داری وابسته و صنعت مونتاژ قدم کند و استثمار زحمتکشان را مردود شمرد که از نظر قانونگذاری مفهوم هریک روشن بود و در ای مضون و ماهیت ضد امپریالیستی و ضد استثمار می باشد. مقررانان، قانون اساسی می بایست مسئله مالکیت را روشن سازد و لایحه آنچه که در مالکیت اهمیت دارد چونگی مناسبات تولیدی است نه "محدود" قوانین اسلامی. مناسبات تولیدی یعنی رابطه انسانها با یکدیگر و ابزار تولید در پیرویه تولید. این چیزی است که قانون اساسی باید بروشنی آنرا پاسخ دهد و گرنه در زمان رژیم شاه خائن هم اقتصاد به سه بخش دولتی - خصوصی و تعاونی نیز تقسیم شده بود و بدین که بدترین نوع استثمار در زمان رژیم مغرور پهلوی تحت لوی شرکتهای تعاونی و وابسته های دولتی، همچون شرکت نفت، راه آهن و..... و بخشهای خصوصی چون موسسات و کارخانه های خصوصی، اعمال میشد.

ولی "خبرگان" مجلس در این مورد سکوت اختیار کرده اند و بجای روشن کردن مناسبات تولیدی از تکلمات نام روشن و چند پهلواستفاده می کنند. اگر مالکیت در این سه بخش از محدود قوانین اسلامی خارج نشود، "مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است"

و نظایر این جملات جای هرگونه تفسیری را باز میگذارد "محدود" قوانین اسلامی "از دید بهشتی و آذری قی چیزی نیست جز غیر محدود بودن مالکیت."

می بینیم که با تصویب این اصل و متعلقاتش موجودیت شرکتهای تعاونی آنهم بشیوه استثماری سابق را قانون بخشیده و تنها از این شرکتهای غارتگر که در رأس آنها سرمایه داران وابسته ای چون "هدایت" (در رأس شرکت دشت مرغاب) هستند، توقع دارد بر طبق ضوابط اسلامی خون زحمتکشان را بکشد.

می بینیم که با تصویب این اصل و متعلقاتش همچنان مؤسسات تولیدی ایران را در رستان ناپاک افروزی وابسته چون بایستی باقی می گذارند چرا که هم در این اصل و هم در اصل ۵/ ۱۲۷ آمده است که: "مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آنرا قانون معین می کند." اولاً این چه راه شرعی است که زالوصفان سرمایه دار از طریق آن بر انبوه ثروت خود می افزایند و مالک بودن بر این ثروت هم که حاصل استثمار شدیدی از زحمتکشان میهن است و در واقع حاصل دستان زحمتکشان می باشد، محترم شمرده میشود و فقط برای فرار از "عذاب الهی" یک نفر دیگری به صورت "خصم" را بازمی گذارد؟ آیا این عمل محترم است که سرمایه داران هر چه بیشتر خون زحمتکشان را مارا بکشد و در آورده آنرا سود کلان - بچی بزنند و بعد هم قسمت بسیار ناچیزی از آنرا بنام "همسین" به افراد بدهند که در واقع انگل ترین مفت خورترین قشر اجتماع هستند؟ کسانی که امروز بعنوان "خبر" در دد تصویب قوانین هستند

که از طریق آن سهم بیشتری بخود اختصاص دهند سبکی که در راه "احترام" به مولد زالوصفان کسب میشود، ثانیاً ما نمیتوانیم از این "خبرگان" کمایه طبقاتی نشان روشن است توقع داشته باشیم که مالکیت خصوصی را محترم بشمارند ولی آنچه که از جاعلی تیر بودن این اصل را بیش از همه نشان میدهد این است که هیچگونه مرز بندی قاطعی با سرمایه داران وابسته که به علت دلایلی برای امپریالیستهابه مال و مثال رسیده اند و از سترنج زحمتکشان اینگونه فریه شده اند، نکشیده و بدین روشن کردن مناسبات تولیدی و وحدت مالکیت (حتی مالکیت سرمایه داران وابسته) حرف از "احترام" به مالکیت شخصی می زنند و نهایتاً اینکه هیچگونه مضون ضد امپریالیستی و ضد استثمار در این اصول دیده نمیشود. چه زیاده می نویسند "ضوابط آنرا قانون معین می کند". حال باید پرسید این کدام قانون است که خلق را به آن ارجاع میدهند؟ مگر نه اینکه ضوابط وحدت و دشمن مالکیت اتفاقاً مربوط به قانون اساسی است؟ مگر نه اینکه نوع مالکیت است که اقتصاد و نتیجتاً مناسبات اجتماعی را تعیین میکند؟ این دیگر کدام قانون است که بر پایه آن ضوابط مالکیت تعیین می شود؟ و چرا بصراحت آنرا توضیح نمیدهند؟ روشن است چون توضیح اینگونه مسائل بند ها را آب میدهند و از قدرت و عافری آنها می گاهد. می بینیم که راه این "خبرگان" با منافع زحمتکشان میهنان نابکجا فاصله دارد. راهی که استثمار زحمتکشان را محترم بشمارد و از راه آنها جدا است و در مسیر منافع سرمایه داران وابسته به امپریالیسم است.

کار و سازماندهی...

* جوان و کم تجربه بودن نیروهای جنبش کمونیستی ایران بخصوص یاد نظر گرفتن این واقعیت که بعد از شکست حزب کمونیست ایران (قبل از ۱۳۱۰) جنبش کمونیستی ایران یاد ریز سطره "ایر تونیس و رفرمیسم حزب "توده" (قبل از ریز سطره) میهن در دست ویامی زد و ویا اینکه نیروی آن قدری ناچیز بود که میتوان آنرا خلاصه نامید. لذا جنبش کمونیستی میهن ما از هرگونه تحریریه تاریخی مستقیم و جمع بندی مشخص از کار پیگیرانه قبلی محروم است.

این است نقاط ضعف اساسی جنبش کمونیستی میهن ما. اما مهمترین نقاط ضعف را باید در دو علت خلاصه کرد:

الف - تفرقه و پراکندگی در درون جنبش کمونیستی. از آنجا که این عارضه بیان آشکار نمودن ایدئولوژی بورژوازی و خرد و بورژوازی در درون جنبش کمونیستی می باشد لذا به صورت مختلف تبلور ایدئولوژی بورژوازی را هم در روشی و برنامه هم در سبک کار منعکس مینماید. از قبیل سبک کاریم بصورت ذوقی گرائی و پیرسداد ان به نیروی گروهی وندیدن نیرو و امکانات جمع، در غلطیدن به خرد و کاری که در قدرت تشکیل دهنده اجانه بوده و سر بارزدن از انجام کارهایی که از آن حد خارج میباشد و انجام آن تنهایی تمرکز کردن تمام نیروها در غیره.

ب - عدم داشتن پیوند فشرده با جنبش طبقه کارگر و نتایج آن با جنبشهای توده ای. بدو داشتن یک جنبش پیوندی کمونیستها هرگز قادر نخواهند شد جنبش طبقه توده را به پیش رهی نمایند و در بهترین حالت فقط در تباله روی آنان خواهند بود. این حقیقت هم در جریان اوضاع قبل از قیام و هم امروز بخوبی مشهود است. ما در رابطه بین مسئله وحدت و پیوند بکرات سخن گفته ایم و در اینجا میخواهیم روی همین نکته آخری مکتب نامیم. تبلیغ سیاسی و اشاعه آگاهی سوسیالیستی یکی از مهمترین اهرمها برای جلب پیشروان طبقه کارگر است. امر کمونیسم است اما هر آنکه که این کوششها و مجاهدتها با هنر سازمانده هی کمونیستی تلقیف نکرد و این دو امر به طور مستقیم در خدمت یکدیگر قرار نگیرند و مکتب همنباشند هرگز نشود مطلوب حاصل نخواهد کرد. بنابراین نفوذ در بین طبقه کارگر و سازماندهی مبارزات آنان، برای برانگیزی سوسیالیستی به درون این طبقه و تلقیف سوسیالیسم علمی با مبارزات خود جوش کارگری و جلب پیشروان آن به سمت کمونیسم هیچ راهی نیست مگر رفتن به درون کارخانه و شرکت مستقیم در زندگی و مبارزات طبقه کارگر. تنهایی بخش اعلامیه و شبنامه نمیتوان قشقت کرد. و آنکسی بخش اعلامیه و کار تبلیغی اگر بر تجربیات خود طبقه کارگر، اگر سر واقعیات زنده و ملموس احاطات طبقاتی در درون کارخانه متکی نباشد، برای توده کارگر قابل فهم نخواهد بود و حتی نه تنها مفید نی افتد بلکه تأثیر منفی نیز خواهد بود به جای میگذارد. زیرا از آنجا که تبلیغات کمونیستی باید لیل کلی بود و نه لیل آنکه نتوانستیم آنرا در قالب مثالهای مشخص از زندگی خود کارگران قابل لمس نامیم، در نتیجه طبقه کارگر نمیتواند حرفهای صرفاً تئوریک و کلی مارا بفهمد بیش ازینش با ما و کمونیسم فاصله میگیرد. و این تأثیر منفی می باشد. بنابراین برای اینکه کار تبلیغی ما بتواند تأثیر مطلوب را در بین کارگران بگذارد باید بر پایه اطلاعات و وسائل زنده در درون کارخانه متکی باشد و برای ابتکار احتیاج به هسته های کارگری در درون کارخانه های باشد که این اطلاعات را جمع آوری کنند و بدین وسیله روح زنده در کار تبلیغاتی بد مند.

همچنین مطالب اعلامیه ها و روزنامه های کمونیستی را در بین کارگران تبلیغ و درباره مطالب آن با کارگران صحبت کنند. واقعیات با نشان می دهد که بدو داشتن یک جنبش تسمه های تبلیغاتی کمونیستی ما نمیتواند به مبارزات توده کارگر متصل گردد.

گفتیم که انقلاب نه تنها علم است بلکه هنرم می باشد. این هنر قبل از هر چیز هنر سازماندهی است. برای اینکه بتوانیم یک توده عظیم را سازماندهی کنیم، برای اینکه بتوانیم مبارزات آنها را رهبری نمائیم، نخست باید گروه های کوچکی از کارگران کمونیست و کمونیستهای کارگر در کارخانه ها بوجود آوریم. بدو یک جنبش هسته های کمونیستی در درون کارخانه ها حتی شد به ترین کوششها و مجاهدتها برای شرکت سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا فقط نتایج به فعالیتهای ضعیف و کم ثمری میشود که تضاد اری تأثیرنا چیزی خواهد بود و هرگز به یگانگی کلیه نیروها انقلابی و حیاتی پرولتاریا نخواهد انجامید. در مصوبه کنگره کمیتسرن (بین الملل کمونیستی) چنین می خوانیم "تأثیریک شبکه وسیعی از هسته های کمونیستی، بخشها و گروه های کارگری در کلیه مراکز مبارزه طبقاتی پرولتاریا مشغول کار نشده و تا وقتی که هر عضو حزب مشغول اجرای سهم خود در کارهای انقلابی روزانه نبوده و این بصورت طبیعت و عادت در نیامده باشد، حزب نباید حتی لحظه ای در مورد اجرای مبرم این مهم بخود استراحت دهد".

با توجه به شرایط متفرق جنبش کمونیستی ما و وجود تعدد تشکیلات چه باید کرد؟

احتیاج به توضیح نیست که هر نیروی کمونیستی باید حد اکثر تلاش در جهت فرستادن اعضا و کارهای خود به درون کارخانه هانماید. هرگونه که بهادارن ویا سر بارزدن از این وظیفه مهم بی شکار از نزدیکی با طبقه کارگر و از مسیر کمونیستی منحرف خواهد نمود. از آنجا که نیروهای کمونیستی میهن ما متفرق بوده و نفوذ آنها در درون کارخانه ها اندک می باشد، لذا برای شرایط کنونی افراد کمونیست در هر کارخانه می تواند مشترک یک هسته کمونیستی در درون آن کارخانه بوجود آورند. اگر تعدد کمونیستها زیاد تر باشد با یستی چندین هسته در بخشها و یا شقیتهای مختلف بوجود آید و از هر هسته یک ویا دو نفر انتخاب شوند که مشترکاً هسته مرکزی تشکیل دهند. کاملاً بدیهی است که برای هر فرد حق تبلیغات گروهی و جلب کارگران بگروه خود کاملاً محفوظ است. این هسته و یا هسته های کمونیستی می بایست در تمام جریانات درون کارخانه شرکت فعال داشته باشند، تمام اوضاع و احوال درون کارخانه را بطور مستقیم و مستقیم مورد بررسی قرار دهند و به تنوع تقسیم کار و مسئولیت بین خود بوجو آورند. این هسته ها باید برای بررسی کارهای انجام شده و کارهایی که باید انجام یابد بطور مرتب جلسه برگزار کرد و به تبادل نظر و اوضاع به دراز هرگونه روخیه و سبک کار خود مرکزینی تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند برای اتخاذ تصمیم و تضمین اجرای آن میبایست مقررات و ضوابط مشخصی را تعیین نمود که هر فرد و هر هسته مجبوره متابعت آن باشد. ما تأکید کردیم که بدو تعیین چنین ضوابط و مقرراتی کار سیستماتیک و پیگیر انجام نخواهد گرفت. هر فرد می بایست نسبت به تصمیمات هسته مثل یا به وظیفه سازمانی بنگرد و مجدانه در انجام آن بکوشد. در این ارتباط ذکر چند نکته ضروری منظر میرسد. از آنجا که جنبش کمونیستی ما در چار تفرقه بوده و تا اندازیه بیساری سبکتریم و روخیه و گروه گرائی مبتلا می باشد، لذا این عارضه تا سالم در ارتباط با هسته های کمونیستی کارگری فوق الذکر نیز بروز خواهد نمود. بخصوص باید

نظر گرفتن این مسئله که این هسته ها تا اندازیه زیادی از عناصر و روشنفکران در تشکیل شده است. اما از آنجا که این هسته ها در محیط کارخانه و در بین کارگران می باشند و همبستگی طبقاتی پرولتاریا را بطور مستقیم لمس می کنند، لذا زمینه های برای احتراز از سبک کاری و تفرقه طلبی و مبارزه علیه این بیماریها و جنبشهای بسیار ساده است. تمام فکاتی که در یک جنبش هسته های فعالیت می کنند باید آگاهانه و با تبار هرگونه روخیه تفرقه گرایانه هم در خود وهم در دیگران مبارز کنند. ما حتی میخواهیم پارا زاینهم فراتر گذاشتیم بگوئیم که سبک کار و روخیه این هسته ها باید سر مشق جنبش کمونیستی و مشوق آن در راه وحدت گردد. ما با تأکید می کنیم که این مسئولیت خطیری است و تمام رفقائیکه در این هسته ها شرکت دارند باید بر این مسئولیت آگاهی داشته و وجود آن انقلابی خود را بکار گیرند. از آنجا که ممکن است رفقائی شرکت کنند که در این هسته ها وابسته به تشکیلاتهای متحد کمونیستی باشند، لذا باید از همان اول با هرگونه روخیه تفرقه گریز از مبارزه کرد و هیچگونه امکان بروز بدو آن نداد.

این هسته ها چه وظایفی انجام میدهند؟

اشاعه آگاهیهای سوسیالیستی و افشارکهای سیاسی بین کارگران از طریق اعلامیه ویا در صورت امکان یک نشریه در کارخانه. این نشریات باید از کوچکترین تا بزرگترین رخدادهای احاطات درون کارخانه را از نظر سیاسی توضیح دهد و بیشتر سعی نماید که علل اصلی وقایع درون کارخانه، حتی پیش پا افتادترین آنها را، برای کارگران روشن سازد. کار تبلیغی و ترویجی باید و افشارک کمونیستی باشد یعنی طوری که در میان کارگران ریشه گیرد و کارگران مانع و آرزوهای مشترکشان را در آن ببینند. "تبلیغ کمونیستی در میان توده های پرولتاریا باید چنان صورت بگیرد که سازمان کمونیستی با بصورت رهبر شجاع، زیرک، با انرژی و پیوسته و فاعلی در به جنبش کارگری خود جلوه نماید" (اسناد کنگره سوم کمیتسرن). نکته دیگر اینکه این هسته ها باید در تمام همپا زات و مبارزاتی که بین کارگران و کارفرما بوجو می آید جانب کارگران را بگیرند. هرگز نباید نسبت به مسائل کوچک درون کارخانه بی توجهی کرد. مثلاً وقتی که سرپرست بخش نسبت به یکی از کارگران زیاد سخت گیری می کند و آن کارگر را مورد تحقیر و توهین قرار می دهد، حتماً باید چنین اعمالی مورد افشارگری قرار گیرد و کارگران را علیه چنین رفتاری برانگیزد. این هسته ها باید طبق برنامه معینی و سیستماتیک توجه کارگران را به آشکارترین سوء استفاده ها معطوف نمود و به آنها کمک کنند تا خواسته های خود را به شکل علمی و مختصر فرموله کنند. تمام این وظایف را باید بطوری انجام داد که روح همبستگی و آگاهی به منافع مشترک در میان کارگران تقویت گردد. در زمانیکه زمینه برای اعتصاب آماده است، این هسته ها باید به عنوان رهبر کارگاه جنبش اعتصابی عمل نمایند. باید نخست با برگزاری جلسات عمومی و یا براد صحبت های زنده و افشار گرانه اکثریت قاطع کارگران را بر ضرورت اعتصاب قانع کرد. بدو این کار را در آنکی گسترده و بوجود آمدن تمام آمادگیها نباید دست به اعتصاب زد. می بایست از هرگونه عمل حساب نشده ای احتراز جست. از ادعا در مورد سوء استفاده های کارفرما که نمیتوانیم آنرا اثبات نمائیم باید خودداری کرد. مسئله دیگری که بویژه قابل توجه است حبله ها و دسیسه های کارفرما و یا دای آن می باشد. کارفرما و یا دای وی همیشه در صد آن هستند که توده کارگران را از پیشروان جدا سازند. در مقابل این دسیسه ها باید بسیار هوشیارانه

عمل نمود. بطور مثال در همین اواخر ریکی از کارخانه های نسبتاً بزرگ کارگران برای افزایش حقوق خود دست به یک مبارزه وسیع زدند. نمایندگان کارفرما با هزار حیل و کوشیدند چنین وانمود کنند که چون کارخانه مقروض است، نمیتواند حقوق را افزایش دهد و همچنین کوشیدند با کمک آخوند ها و کمیته برای کارگران موعظه کنند که باید صبر و حوصله داشت و به دولت کمک کرد و امثالهم. اما کارگران به یاری کمونیستهای که در آن کارخانه فعالیت داشتند توانستند چندین ماه مبارزه را ادامه داد و کارفرما را مجبوره عقب نشینی کنند. اما نمایندگان کارفرما را ایجاد سست بکار حبله شدند. یکی در روز قبل از انقضای مهلتی که کارگران به کارفرما برای جواب به خواسته های خود داده بودند، نمایندگان کارفرما اعلام نمودند که با خواسته های کارگران در مورد افزایش دستمزدها توافق نخواهند داشت. کمونیستهای درون کارخانه نیز دست بکار افشارگری شدند که کارفرما هیچگاه به خواسته های ما جواب نخواهد داد و اینک صحت گفته های ما ثابت شده است. لذا انتظارا داشت که تولید و توزیع و حساب داری در دست شور اقرار گیرد. بدو روز بعد لیست اضافه دستمزدها را به تابلوی اعلانات زدند، در بسیاری از موارد میزان افزایش بیشتر از خواست خود کارگران بود. سپس کارفرما کمک ایادی خود در درون کارخانه شروع به شایعه پراکنی کرد که اگر این نمایندگان کارگران نبودند و کار را به اعتصاب نمی کشیدند از همان اول با خواسته های شما موافقت می شد و بدین وسیله توانستند در همتا دای از کارگران را نسبت به نمایندگان بد بین کنند و عهد همدیگر را آنها پیروند و سازی کردند. این یک نمونه کوچک نشان میدهد آنجا که کارفرما مجبوره عقب نشینی در مقابل کارگران میشود حتماً دست به توطئه و دسیسه خواهد زد. این دسیسه ها اغلب متوجه آن است که فعالین جنبش کارگری از توده ها جدا نموده و سپس آنها را یا اخراج کرد و یا مورد تعقیب قرار دهند. لذا هسته های کمونیستی درون کارخانه ها باید نزد یک ترین و فشرده ترین پیوند هار باشند و های کارگری برقرار کنند و واقعا اعتماد آنها را بخود جلب نمایند تا اینکه در صورت اجرای چنین حبله های از طرف کارفرما کارگران فریب نخورند و از فعالین همچنان پشتیبانی نکنند و یگری که باید بدان توجه شود مسئله منفی کاری است. کمونیستها و کارگران پیشرو همیشه از طرف کارفرما مورد تعقیب قرار می گیرند و مجبور اینک فعالیت مشخص کمونیستی مشاهده شود، این تعقیب بدو چند ان پیگیرانه تر خواهد شد. آنچه در اینجا بویژه مهم است تضمین ادامه کاری می باشد. لذا هسته های باید نهایت رعایت منفی کاری و داشتن پوشش طبیعی را بنمایند تا اینکه ادامه کاری تضمین گردد به ترتیبی که چند نفر همیشه در میان باشند. هرگز نباید تمام نیروها را به صف اول فرستاد، زیرا در صورت دستگیری آنها دیگر نیروی ذخیره ای نیست که جای آنها را پر کند. همچنین هرگز نباید به خطر روینویستهای حزب "توده" و سازمان انقلابی کم بهادار. آنها با سوس سرمایه داری در میان کارگران هستند. آنها برای مشاطه گری پیش سرما به داران از لود آن کمونیستهای با بی ندارند. لذا باید از شناساندن خود به آنها کاملاً احتراز جست. ما در این نوشته تنها توانستیم به یکی از جنبه های کار درون کارخانه اشاره کنیم. ما خود معترفیم که تجارب ما در این زمینه هابسیار کم و ناچیز است اما در عین حال همین تجارب کم و ناچیز را باید بازگو کرد تا تکمیل گردد.

بهر کس کار

بدهقانان زمین

بخلقها آزادی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مستحکمتر باد: انتخابات د واره نیوئد و این خود عاملی بود برای درهم شکستن شورای واقعی که تازه تشکیل شده بود. فرد ای آبروزنماینده ای از طرف دولت بنام مهندس توبری به کارخانه آمد و به کارگران میگوید که از سوی کارگران این کارخانه بهما شکایتی مبنی بر نارضایتی بودن کارگران از شورای اسید است و من برای رسیدگی بوضع شباهه اینجا آمده ام. وی خواهان صحبت با نمایندگان شورامیثود و آقای "میری" مدبر کارخانه نیز نمایندگان شورای قبلی را معرفی مینماید. مهندس توبری با نمایندگان شورای قبلی جلسه ای تشکیل میدهد. اما در همین موقع کارگران پیشرویه این عمل اعتراض کرده و در نتیجه جلسه اعتراض کرده و میگویند که چنانچه د ولت با نمایندگان شورای قبلی که ماقبول شدن اریم مذاکره می کند نمایند د ولت در جواب به مخالفت کارگران میگوید که علت جلسه گذشتن با این نمایندگان این است که میخوام اوضاع کارخانه اطلاعاتی بدست آورم و تازه اینجا هیچ مسئله ای مطرح نمیکرد که شما از این اطلاع باشید و اگر نخواهید میتوانی در جلسه شرکت کنید. کارگران نیز وارد دفتر شورا شد و در جلسه شرکت میکنند. یکی از نمایندگان شورای جدید شروع به افشاکاری از حرکات ضد کارگری شورای قبلی مینماید که در این میان با اتهامات آخوندی، جاسوس کارفرما، روبرو میشود. آخوندی خطاب به نماینده کارگران میگوید: "تو لک خائن وابسته به یکی از جنسها هستی و ما موریت داری تا وضع کارخانه را مختل نمائی". یکی از کارگران به پشتیبانی از نماینده واقعی خود میگوید: "آقای آخوندی اگر بناچار میدانسته که این نماینده ما خائن است و واقعا در در چراهی نرفته است؟ در حالیکه هر دو یاهم نماینده بودند. پس معلوم میشود مدری موجود نیو و آقای آخوندی فقط میخواد نماینده ما را خراب کرده و بین ما تفرقه بیاندازد. در نتیجه تو (آخوندی) خائن هستی چرا که اگر میدانستی او خائن است نتقتی و بهمه خیانت کردی و اگر هم او خائن نیست باز هم داری خیانت می کنی و یک کارگر خوب را در بین کارگران خراب میکنی". بدنبال سخنان وی همه کارگران نیز شروع به اعتراض مینمایند. نماینده دولت که از اتحاد کارگران و حمایت آنها از نماینده واقعی خود به وحشت افتاده بود، مزوره به آخوندی گفت که تو باید حورقت را پس بگیری و کارگران هم ویرا واد اریسه برگزاری جلسه عمومی مینمایند. در جلسه عمومی نماینده دولت میگوید "من برای انتخابات د واره شورا آمده ام باید نمایندگان دیگری انتخاب شود" انتخابات آبروز انجام نمیشود و به عقب می افتد. روز چهارشنبه سوم آبان کارگران در پی انتخاب هیأت نظار برای آرای گیری شورا که قرار بود فرد انجام گیرد، بودند و در این میان سرپرستان و مدبران کارخانه نیز دست به توطئه علیه کارگران پیشرو می زنند. بطور مثال در قسمت یقه اسکی کارگران که میخواستند یکی از دوستان تعمیرکارشان را انتخاب کنند با مخالفت سوری، مرد خائنی که سرپرست قسمت بود روبرو می شوند و میگویند که وی چون تعمیرکار است نباید نمایند شود. سوری موفق میشود که حرفش را به کرسی بنشاند اما کارگران با اینکه موفق میشوند که د ولت کارگر دیگری را به هیأت نظارت بفرستند ابراز نارضایتی نمود و میگویند که چراسوری د امور کارگری د خالت می کند. در آبروز یکی از کارگران د خرد رخت کن علت مخالفت سوری با د ولت کارگیشان برای دیگر کارگران توضیح میدهد و اینکه آنها میخواستند با این مخالفت اوضاع

از نفوذ افراد صادق در هیأت نظارت جلوگیری نمایند پنجشنبه خبر این صحبت با بوسلیه جاسوسان سوری به گوش او میرسد. صبح آبروز سوری شروع به بد و بیراه گفتن و فحاشی به یکی از کارگران زن میکند و در حالی که سرش را به دیوار میکوبید و تنه منفریم بازی در می آورد میکوشید تا احساسات کارگران را بیفخ خود و بر علیه د ولت کارگیشان تحریک نماید. عوامل سوری شروع به پشتیبانی از وی کرده و بد ولت کارگرید ویرا میگویند. اما اکثریت کارگران از د ولت کارگیشان خفا کرده و بحث بین آنها بالا میگیرد. در همین موقع سوری مشت به یکی از کارگران مخالف زد و به خیال اینکه هنوز هم قدرت زمان شاه را دارد یک قیچی از کشوهای چرخ برداشته و کارگران را تهدید میکند اما یکی از کارگران دست او را میگیرد که باعث مجروح شدن دستش نیز میگردد. کارگران که نفرت چند ساله ای از سوری داشتند تک مفصلی تشارش می کنند. در این زمان نگهبانان کارخانه بهمه مدبران به این قسمت می آیند. اما مدبران کارخانه نیز از کوشش کارگران بی نصیب نمانند. بالاخره مدبر کارخانه بوسلیه نگهبانان کارگرا نی را که با سوری دوا کرده بودند را در کارگرنی جمع کرده و با آنها میگویند که شما باید در این اطاق بمانید، با کارگران دیگر هم حق تماس گرفتن را ند ارید و بعد هم باید کارخانه را ترک کنید و شنبه بیافید تا بکارگران رسیدگی شود. ولی این دفعه را آقای مدبر که خوانده بود!! کارگران میگویند ما قصد ترک کارخانه را ند اریم و باید فوری بکارگران رسیدگی شود. در همین موقع کارگران قسمتهای دیگر هم کاز درگیری اطلاع پیدا کرده بودند و بیرون ریخته و ششیتا خود را از دوستان کارگیشان اعلام میکنند و به مدبر کارخانه میگویند که تو صلاحیت مدبریت اینجا را ند اری و تو ما را بیچاره کرده ای. آنها د ولت کارگیشان را از دفتر کارگرنی به میان خود کشید و بعد تمامی کارگران تصمیم به صادر کردن قطعنامه میگیرند. کارگران در این قطعنامه خواستار اخراج "میری" رئیس کارخانه - سوری، سرپرست قسمت یقه اسکی، نظریان، سرپرست قسمت کنترل - نجفی، سرپرست قسمت برش میشوند. این قطعنامه با موافقت اکثریت کارگران روبرو شده و آنها زیر قطعنامه را امضا می کنند. بعد از مدور قطعنامه کارگران تا اخراج این ۴ نفر اعلام اعتصاب می کنند. چند ساعت بعد نماینده د ولت به کارخانه وارد شده و با اعتصاب کارگران مواجه میشود. وی از کارگران میخواست که به سرکارشان بازگردند و تشکیل شورای جدید بصر کنند تا شورای آینده د مورد این ۴ نفر تصمیم بگیرد. ولی کارگران مخالفت کرده و میگویند تا زمانی که این ۴ نفر در کارخانه هستند ما کار نمیکنیم و به اعتصاب ادامه میدهم. نماینده د ولت که می بیند چاره ای در مقابل تصمیم قاطعانه کارگران ند ارید میگوید "خوب شما سرکار بروید و ما هم چند روزی باین ۴ نفر مرخصی میدهم" کارگران میگویند ما مخالف مرخصی هستیم اینان باید اخراج گردند. نماینده د ولت شروع به فریب کارگران کرده و آنها را به مقدسات اسلام قسم میدهد که ترتیب اخراج ۴ نفر خواهد داد و میگوید چون ما د زمان سازندگی هستیم شباهه سرکار خود بازگردید. کارگران قبول کرده و به سرکار باز میگردند. آن ۴ نفر هم از کارخانه بیرون رفته و تا این زمان از نظری کارگران اخراجی محسوب میشوند. آنها نیز به سرکار بازنگشتند. دوشنبه ۷ آبان نماینده د ولت برای انتخابات شورا به کارخانه می آید. وی کارگران را به گروههای ۲۰ نفری تقسیم میکند تا از هر ۲۰ نفر یک نماینده برای شور انتخاب شوند. این انتخابات و

اخبار

تمام مواضعی را که اشغال کرده بودند / در اشرار بازه قهرمانانه مردم و پیشمرگان تخلیه کردند و به پادگان پناهنده شدند درگیری مهاباد بدنبال محاصره اقتصاد شهر توسط ارتش جمهوری اسلامی شروع شد و منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از زنیوهای اشغالگرو شهادت عده ای از مردم شد. همچنین چندین تانک خودرو منهدم گردید. پیشمرگان کنترل کامل اوضاع را در دست دارند. مردم مبارز مهاباد در پاکسازی شهر از جاش ها و مزدوران رژیم و دستگیری و تسلیم آنها به پیشمرگان با کوشش خستگی ناپذیری شرکت دارند.

سردشت - در تاریخ ۸/۸/۵۸ یک ستون نظامی بایش از ۸۰ خودرو حامل نظامی و اسلحه و اسلحه های زیر واد سردشت شد:

تعداد ۵ قیضه تیربارک لیبیر ۶۹۵۰ / دوقیضه خمپاره انداز / یک توپ ۱۲۰ میلیمتری / ۲ تیربار ۳ / مهمات فراوان و سلاحهای انفرادی. قابل توجه است که هیأت حاکمه ایران که بظاهرا از قطع عملیات نظامی سرکوبگرانه خلق کرد م میزند / و علیرغم اینکه اعلام می کنند مسئله کردستان باید بطریق سیاسی حل شود / به اعزام نیروهای نظامی ضد خلقی خود به کردستان و مبارزات آنها د اوم / ادامه میدهد.

خبر از قیاده دولت در تاریخ ۵۸/۷/۱۵ د رپوش پیشمرگان به پاسگاه "پیران" واقع در مرز ایران و عراق د راطرف مرزبان عده ای از جاشها کشته و زخمی شدند و پاسگاه به تصرف پیشمرگان درآمد. همچنین از افراد قیاده وقت که در این د رگیری از جاشها و پاسگاه حمایت می کردند ۱۳ نفر کشته و ۶ نفر زخمی و ۳ نفر دستگیر شدند و ۷ نفر از آنان به آن سوی مرز گریختند.

اشکون - چند روز پیش روزنامه اطلاعات خبر داده بود که ۱۵۰ نفر مسافر د چند اتوبوس به وسیله پیشمرگان کرد دستگیر شدند و اخبار موقت این خبر را باین ترتیب نشان میدهد که این عده از افراد قیاده وقت بودند و اند میخواستند د مرز ایران و عراق بر علیه پیشمرگان "اتحادیه میهنی کردستان عراق" وارد جنگ شوند. پیشمرگان کرد این عده را دستگیر کردند.

سردشت - روزیکشنبه ۵۸/۷/۱۵ د رساعت ۱۱ صبح پیشمرگان قهرمان "سازمان انقلاب زحمتکشان کردستان ایران" (گوله) یک ستون از اسلحه داران اشغالگر که از سردشت عازم بانه بودند د رمحلی بنام "د ویرالان" واقع در بین روستاهای "بناوله" و "داساوین" بد اهرگبار خود انداخته و آنها را کاملاً تا ویران می کنند. در این نبرد که از ساعت ۱۱ صبح تا ۱ بعد از ظهر ادامه داشت، بیش از

۲۰ نفر از اسلحه داران کشته و زنده به ۱۵ نفر اسیری شدند

مهاباد - بدنبال شکست ارتش و پا سد اران د سرکوب مقاومت مردم مهاباد، واحد نظامی "نوه" بنام کلاه سبزها که تحت نظر متخصص علیه آنها میمانید. لحظاتی بعد با حمله کلاه سبز هابه مردم تظاهرات بخشون می انجامد و سه نفر به شهادت میرسد ((د وین خرد سال و کمال رحیمی ۱۸ ساله)) بدنبال این حمله پیشمرکه به دفاع از مردم برخاسته و به تعقیب پاسداران می پردازند. کلاه سبزها و پاسداران به شهرسانی پناه می برند. پیشمرکه ها شهرسانی را محاصره میکنند پاسداران پس از د ساعت مقاومت مجبور به عقب نشینی و فرار به پادگان میشوند. پیشمرکه های اتر تصرف شهرسانی در حالیکه خطاب به مردم شعار میدادند شهراترک نمودند. د جریان این د رگیری سه پاسدار و رئیس شهرسانی کشته میشوند. طبق گزارشهای که از منابع موقی بدست ماریسد است، سروان بارحق رئیس شهرسانی مهاباد بدست پاسداران بقتل رسیده است. طبق همین گزارش د گلوله از اسلحه کت از فاصله یک متری به ناحیه شکم او شلیک شده است قبلاً از مهاباد گزارش رسیده بود که پاسداران بارحق بارحانی را به عدم کفایت و عدم قاطعیت نسبت به حملات پیشمرگان متهم کرده بودند. همچنانکه خبر د ارید سرهنگ "فرشاهی" فرمانده هنگ سقز نیز به همین جرهدست پاسداران بقتل رسیده است.

بانه - ۷/۱۸ پاسداران به تلافی گروهان گیری از طرف پیشمرگان عده زیادی از مردم را گروگان گرفتند، از این جمله میتوان به محمد قادی یکی از زندانیان سیاسی رژیم سابق "جلال محمود" محصل، "جلال انوری" بازاری و "عمر میران" دبیر اشاره کرد. شورای ارس راهمنائی د بیروستانها بطور مخفی تشکیل شده و بر طبق تصمیم این شورا کلیه د بیستانه و بیروستانها تعطیل میشوند. رئیس آموز و پرورش د بوسلیه مردم انتخاب شده بود، بوسلیه خلخالی به سیرجان تبعید میشود. د روزهای اخیر چند با تظاهرات وسیعی د شهر صورت گرفته است خواست تظاهرات کنندگان رفع اختناق و خروج اشغالگر از شهر و آزاد ی زندانیان سیاسی بود است. بر طبق همین گزارشات ۶ نفر از جوانان محلی را بازور گرفته و بد وین هیچ مدری بازداشت کرده اند. سپس آنان را واد ارنموده که با تفنگ عکس بگیرند. این جوانان د اکون د زندان "دیل آباد" گردانده شدند. یکی از جوانان تگراتی که امروز بعنوان فرمانده اربانه د شهر بر علیه خلق کرد توطئه میکند، ابوالقاسم سترای د اد ستار سابق باصلاح د اد سرای انقلاب خوزستان است که شش به خون صدها هوطن عرب آغشته است وی بعلت رشوه گیری و کارهای خلاف از خوزستان برکاروبه بانه فرستاده شد.

نمایند د ولت ضمن تقسیم کارگران به گروههای ۲۰ نفری ۲ یا ۳ نفر از کارگران پیشرو را طبق نقشه ای خائنه د در گروههایی که اکثریتشان بعلت ناآگاهی طرفدار کارفرما بودند قرار میدهد. ولی د مجموع این نقشه هم با شکست روبرو میشود. ترکیب شور امروز د مجموع کارگری است.

این جریان با زهم بخوبی نشان میدهد که پیروزی کارگران د اتحاد و همبستگی آنها نیست است. مرگ بر سرمایه داران و عوامش. زنده باد مبارزات کارگری ایران.



پیام سازمان انقلابی زحمتکشان کوردستان ایران به خلقهای ایران

پیام به خلقهای ایران!

از طریق شورای همبستگی خلقهای ایران!

مردم شرافتمند و زحمتکش ایران!

خلقهای ستمدیده ایران!

در طول سالهای سیاه استبداد پهلوی همه ماطعم زندان و شکنجه و فقر و محرومیت را با هم چشیدیم. دست دردست هم دیگر چنگیدیم و بیاری توده هارزیم خود گامه را در هم شکستیم. ویراستانه آزاد پیروزمندان ایستادیم.

لیکن خواهان برادران! اینک دروازه ای که ایران میخواستیم بسوی جامعه محبوب و مطلوب خود، بسوی بهشت آزادی عبور کنیم، توسط سپاه ترس و خونخوارترین ارتجاع قرون وسطایی قفل و مهر و موم گردیده است. خلقهای ایران در انقلاب شرکت کردند باین امید که حق تعیین سرنوشت خویش را بدست آورند، حقوق ملی و مذهبی آنها تأمین گردد، آزاد پهای مکرانیک در سرتاسر ایران برقرار گردد، توده های زحمتکش در شهر و روستا بسوی محو آثار استعمار و رنج طبقاتی هزاران ساله خویش گام بردارند، بقایای فئودالیسم قطع گردد و جنبش ملی و مکرانیک در ریشه حمایت توده های میلیونی و بدست آنها به ثمر برسد.

در این راه خلق کرد پس از پیروزی قیام شکوهند بهمن ماه بارها کوشید که مطالب و مسائل خود را از راه مسالمت آمیز مطرح نماید و با بهره گیری از پشتیبانی عمومی خلقهای ایران بدست یافت. در مذاکره با هیأت های اعزامی دولتی در شهرهای هشت ماهه و در شهر سمنان نیز هشت ماهه تهیه و تقدیم کردید که اینک همه مردم ایران میتوانند آنرا بخوانند و قضاوت کنند که آیا بر آوردن این خواسته های بیشتر بسود مردم ایران و در جهت حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور یا فرمان جهاد و فرستادن جوانان مردم جهت کشتن و کشته شدن؟

بدر یگر خلق کرد بهرمانه سایر خلقهای ایران و از طریق "شورای همبستگی خلقها" طرحی را به تصویب رساند که شیوه های مناسب مکرانیک حکومت و زندگانی مشترک مردم ایران را تعیین میکرد و همه گروه های سیاسی و مذهبی مورد اعتماد خلق کرد بر آن صحنه گذارند و کلیه سازمانهای متمرکز و مکرانیک سرتاسر ایران به تأیید و پشتیبانی از آن برخاستند، لیکن با جواب منفی و لحاج و عناد هیأت حاکمه فاشیستی ایران و برپا شدن و مسکوت ماند.

خلق کرد در کردستان ایران به همت قیام توده های زحمتکش خود و بسوی "ارگانهای ملی و انقلابی خویش شیوه مکرانیک زندگی و انقلاب را تجربه میکرد و مستقیماً به اعمال حق حاکمیت ملی - که ناشی از اراده توده مردم و نه از ولایت فقیه است - می پرداخت و نمونه دشمنی از آزادی و انقلاب به تمام خلقهای ایران عرضه میداشت. درست و دقیقاً همین موارد است انگیزه حمله به کردستان، فرمان جهاد و جنگ با کاکار !!

اشغالگران و غارتگران در این جنگ نامقدس پیروزیها و پیروزیها را در جبهه هارادسته جمعی قتل عام کردند، جوانان گروه گروه به جوخه های اعدام سپردند، مدارس و مساجد و بیمارستانها را با بمب و راکت از راه زمین و هوا به آتش بستند. این "مجاهدان راه حق" و این "سربازان اسلام" ملاها و پیش نمازها را در بسیاری از راه ها و از جمله در روستای "قارنه" و روستای "کاتی مام سید" در حالیکه قرآن بدست به استغاثه و استقبال از این "چنگیزهای معاصر" آمده بودند به ضرب سر نیزه سوراخ سوراخ کردند. برادر زخمی و بیمار را برشته برادر رحل کردند و به فرمان خلخالی این جلاد دیوانه هرد و ربه دست رگبار مسلسل سپردند و مبارز دیگری را بر روی برانگاری به میدان تیر آوردند و کودک دوازده ساله ایراد صرف اعدام شدگان قرار دادند و این عکسها و تصاویر - هادروسائل ارتباط جمعی جهان لکه نگ ایدی است بر پیشانی کرب و قیاح رزینی که بناحق و عوام فریبانه آنرا "انقلاب اسلامی" نامیده اند. چمرانها و ابوشرفها را همچون متخصصان کشتار و سرکوب بین المللی وطن از دیگر کشورهای و اسامی خارجی به عاریت گرفته و به ایران فراخوانده اند و عالی ترین مناصب و مقامات این مرز و بوم و ناموس این ملت را به دست آنان سپردند و به آزادی و استقلال و شعور ملی و قومیت ایرانی اهانت کرده اند.

شما مردم سراسر ایران! حق دارید و موفقی که هیأت حاکمه ربه زهرمیزبانها و فاشیست خارجی به عاریت گرفته و به ایران فراخوانده اند و سرسید خانواده و اجتماع را به جنگ برادران در کردستان می فرستند؟ دسته دسته فرزندان این مملکت را به نام پاسداری و سرپاز روانه قلعه ها می کنند و بعد برایشان مراسم ختم و روضه و سینه زنی ترتیب می دهند. خلق کرد و مبارزین کردستان ربه حمله های "غافلگیرانه و ناگوارنده و جنگ نسا - برابر" و عباراتی از این قبیل متهم میدارند. انگار مردم ایران کودکان و بیاد بیوانگاندند و نمیدانند و نمی بینند و نمی پرسند که آیا پیشمرگان کسور در سرزمین خویش مشغول دفاع عادلانه از هستی و زندگی و حقوق ملی و آزادیهای فردی و اجتماعی خود و دست آورد های انقلاب می باشند و مورد حمله "غافلگیرانه و ناگوارنده" و جنگ نابرابر واقع شده اند یا بالعکس؟ آنها از وجه و لانه و کاشانه پاسداران و سرزمین ملل و اقوام دیگر مورد تاخت و تار و جهانگشائی قرار داده اند یا بالعکس؟

شما مردم ایران! با اعتراضات و تظاهرات و شورشیهای خیابانی که سرانجام منجر به قیام توده هادرسهمن ماه گردید رژیم استکبار پهلوی - این سرسید و امیرالایسم و این سنگر ضد خلق در خاور میانه و جهان - را سرنگون ساختید. اکنون نیز میتوان و باید که بر علیه این استبداد آخوندی - این ریاکارترین و سفاکترین انواع حکومت در جهان - این مظهر بارگشت به قهقرا، این دشمن انسان و دانش آزادی - بسا خیزند. بر علیه جنگ کردستان بر علیه جنگ تحمیلی، جنگ نا عادلانه، جنگ داخلی و برادر کشی در کردستان صدای اعتراض خود را بلند کنید و با تمام توانائی راه این پیورش جدید این موج دوم حمله را مسدود دارید.

شما خلقهای ستمدیده ایران! که دوست و برادر و همیمان تاریخی خلق کسور هستید و این مراتب را در منشور خود مختاری و از طریق "شورای همبستگی خلقها" تأکید کرده اید اکنون موقع آنست که به وعد خود وفا کنید و به دفاع از حقوق خلق کسور و حقوق خلقهای خود برخیزید و به هروسیله ممکن قدرت اهریمنی مرتجعین مرکزی را که بدست خلق کرد ضعیف و ناتوان شده است درهم بشکنید و این شرائط مساعد انقلاب را که اکنون فراهم آمده است با همیه و عزری و با همیه امتیاز و موقوت و کوچکی که احیاناً خاطر فریب توده های زحمتکش و ستمدیده تان از سوی هیأت حاکمه پیشنهاد گرد از دست ندهید و زمینه را برای قیام و انقلاب سرتاسری خلقهای ایران آماده سازید که به همت توده هاروز پیروزی نزدیک است.

شما آزاد بخوانان! روشن فکران! نویسندگان! روحانیون! بازاریان! کارگران و دهقانان! اینک در برابر رسالت تاریخی خویش قرار گرفته اید و برسر و راهی و تصمیم ایستاده اید: دفاع از استبداد یا آزادی؟ مبارزه بر علیه برادر کشی و جنگ داخلی یا تأیید آن؟ کمک به رژیم مغرور آخوندی و تسلیم به عوام فریبی ساده لوحانه یا تلاش آگاهانه در جهت استقرار مکرسی و عدالت اجتماعی؟

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) که از طریق شرکت فعال و بسیج توده ها و انعکاس خواسته هایشان نمایند "استین زحمتکشان کردستان" و حافظ منافع و مصالحشان میباشد، بر این عقیده است که: انقلاب در کردستان بدون پیوند عمیق و ارگانیک با انقلاب سرتاسری ایران نمیتواند به پیروزی نهائی برسد و زحمتکشان یک خلق بدون همکاری و همبستگی زحمتکشان دیگر خلقها نمیتوانند حقوق کامل خود را بدست آورند. بقیه در صفحه ۱۱

دروود بر...

تازمان ایجاد کار
۲- صد ورت فرجه نیمه زمانی برای خود و خانواده
۳- ایجاد کار و بدین سرمایه های امیرالایستی
مطرح کرده بودند و قرار بر این بود که نمایند "وزارت
کار در هفته" (یعنی دوشنبه ۵۸/۸/۲۱)
ساعت ۹ صبح جواب دولت و وزارت کار را در حضور
کارگران بگوید. جلسه ساعت ۹ صبح با سخنرانی
یکی از کارگران شروع شد. کارگران با افشای دولت و
اینکه طی مدت ۹ ماهی که این دولت بر سر کار رسد
هیچ اقدامی در جهت منافع زحمتکشان انجام نداد
است بر ملا ساختند. کارگری میگفت: "دولت، که
به سرمایه داران وابسته میلیارد هاتومان واحد هد،
اما برای کارگران بیکاری که بود چه نه ابرم اینچنین
دولتی نه تنها هد امیرالایستی نیست، بلکه دولتی
ضد کارگری است." در ادامه نمایند "کارگران بی-
کار آبادان گفت: "دولت، که وزرای کابینه اش خائن
هائی مانند چمران باشد، که زرش سرکوب خلق
قهرمان کرد و زرش با بر زمینگی نمایند "ارباب باشد،
دولتی که وزیر امور خارجه اش کار اسفارت آمریکا را
تحت عنوان حمایت از خراجیان پناه دهد، دولتی
که وزیر کشاورزی اش "ایزدی" بیش از ده هزار هکتار
زمین فقط در اطراف شیراز داشته باشد، دولتی که
وزیر امور بازرگانی اش طبق ادعای خود شازمان دنیا
فقط یک خانه و یک شرکت بین المللی در آمریکا دارد،
چنین دولتی فقط میتواند حامی منافع سرمایه داران
باشد، نه زحمتکشان !!! کارگر جو شکار دیگری می-
گفت: "در زمان شاه جلاد فاشیست این ماکارگران
بودیم که مبارزه کردیم با راج و خفتش و اربابین کشید
و بیش از ده هزار شهید دادیم. در آن موقع چون ما
کارگران تشکیلات مستقل خود مان را ایجاد نکردیم
سرمایه داران دیگری تحت نام فاع از زحمتکشان بر
ما حاکم شدند. تا زمانیکه ما کارگران تشکیلات مستقل
خود یعنی حزب خود مان را ایجاد نکنیم قادر نخواهیم
بود منافعمان را از جنگ سرمایه داران بیرون کشیم و
دولت خود مان را ایجاد نمائیم. البته از حزب منظوم
حزب خائن مانند حزب توده نیست. حزب توده
مدافع سرمایه داران است نه کارگران. بیشتر سخنان
این رفیق کارگر تکیه بر تشکیلات کارگران بود و در شرائط
کونی اتمامی کارگران خواست که سندیکا های واقعی
خود شان را تشکیل دهند. ساعت ۱۱ صبح بود که
یکی از نمایندگان کارگران گفت: "ما بیش از ۸ ماه
است که صبر کردیم، هفته گذشته نمایند "وزارت
کار در حضور شما کارگران قول داد که امروز ساعت ۹ صبح
ما جواب بدهند. تا حالا که ساعت ۱۱ است از او
خبری نشده و اگر در اینجانب نشینم خبری از آنها نخواهیم
هد شد. برای اینکه حق خود مان را بگیریم باید همین
الان بطرف وزارت کار حرکت کنیم. در آنجا با جواب
ما امید هندیالینکه همه ما ربه گلوله می بندند."
سخنان این رفیق کارگر مورد قبول تمامی کارگران قرار
گرفت و پس از آن کارگران از خانه کارگر بیرون آمده و
برای راهپیمائی تا وزارت کار صفوف خود را تشکیل نمودند.
در طول مسیر کارگران با شعار هائی: "اقتصاد وابسته
عامل همیگری است، امیرالایسم ارتجاع عامل هر
فساد است، فراد های نظامی با آمریکا لغایب
گردد، حق بیکاری را گردید از پای نگردد، کار
برای کارگران باید گردد، حرف بس است عمل
کنید، وعد و وعید نون نشین، حرف محرف شما
است مردم به مال خود بدید... " و خواسته های بر
حق خود را برای مردمی که در سیر راه بودند بازگو
میکردند. قبل از اینکه صف تظاهر کنندگان به جلوی
وزارت کار برسد پاسداران مستقر در وزارت کار تمامی
درهای ورودی را بسته بودند. بقیه در صفحه ۱۱

رویدادها ...

بهبانه که میبایستی مقامات وزارت دفاع ملی با خواستهای آنها موافقت کنند و گویا این مسئولان مشغول مذاکره با آن وزارتخانه هستند، همچنان از رسیدگی خواست های کارگران سرپاز میزنند.

آمل: صبح روز شنبه آبان روستائیان قریه "کلیکان" آمل دست به راه پیمائی زده و ضمن دادن شعارهایی علیه ملاکان و حامیان شان در فرمانداری این شهر متحصن شدند. این عده اکثراً با خانواده های خود همراه بودند. آنها گفتاوند رسیدگی کامل به خواستههایشان مبنی بر داشتن زمین کشاورزی، که از طرف زمینداران امرور غصب شده است، به تحصن ادامه خواهند داد.

یکی از روستائیان گفته است: "چرا باید ۲۰ هزار خانوار اهالی این قریه بی زمین باشند ولی در عوض یک خانواده دارای ۶۰ هکتار زمین باشد؟ دیگر میگفت: "ما خواستار زمینهای مزروعی شدیم متأسفانه با مخالفت مسلحانه چند زمین دار سرگرد و سرور بودیم تا جائیکه این افراد با آتش زدن تراکتور، یکی از اهالی قریه ما بنام اسماعیل قلی زاده را مجروح کردند که تقریباً بنیائی خود را از دست داد." بدنیال این دستگیری صادق تقوا.

تایرون ...

لیبرال در کارگانه های اجاره به مخالفان یاری لجبازند و تأیید آنچنان جوی بوجود آورد که افکار عمومی توده مردم را بسبب خود بکشانند. چنین بود که از همان ساعت اشغال لانه حاسوسی آمریکا تبلیغات وسیعی در مورد معاشات دولت بسا امیرالایسم آمریکا برافراشت. دستگاههای تبلیغاتی و ارتباط جمعی پرده از ملاقات بازرگان با بریتانسی مشاورانیتی کارتر فزونی برداشت. آیسران حزب جمهوری اسلامی و جناح اشرفیت - شورای انقلاب - واقفان این ملاقاتها مخالفت اصولی داشته اند؟ مگر بنا توافق همین جناح مذمبی نبود که ۲۵۰ مستشار آمریکائی به ایران برگزینند؟ مگر هافران این وطن فروشیها اعتراض نکرد و بر علیه آن دست به تحصن نزد ند که شما آقایان مرتجع هم با کسیدل دستهای او باش حزب الهی دست بسرکوب آنها زدید و بسا جولان دادن هواپیماهای جنگی بر فراز شهرها خواستید که در انتظار مرد مبارزات مرد را بهیچ بگیرد؟ آقایان شما که امروز قیای نابرازند مبارزه با امیرالایسم آمریکا برتن کردید مگر از تجدید قرار داد های نظامی با امیرالایسم آمریکا اطلاع ند اشتید که امروز سراسیمه برای کسب دوازه آبروی از دست رفته تان دست به لغو یک دومر از قرار داد های اسارتبار با امیرالایسم آمریکا زدید؟ آید؟ آیا مرد باید این شعبده بازیهای شمارا ببرد کند؟ خیر. کارنامه ما همه شما نقد و سیاه است که دیگر هیچ اعتماد یبه شما نخواهد بود کونیستهاینازگو کردن حقایق هر آنچه هم که امروز فهم و درک تان اند از ایشکل بنظر آید کوتاهی نخواهند کرد. ما آشکارا میگوئیم تمام تبلیغات وسیعی که امروز جناح مذمبی حاکم علیه امیرالایسم خونخوار آمریکا این دشمن عده خلیقهای میهن ما برافراشتند اختتام بهیچوجه مبارزه جدی علیه امیرالایسم آمریکا نبوده، بخاطر هتوای بافریاد های برحق و انقلابی توده های وسیع خلقهای ایران که یک صدا امیرالایسم آمریکا را دشمن عده خود می دانند، نمی باشد، بلکه بخاطر وجود آوردن یک جبهه عمومی جهت تثبیت قدرت خود در همه پرسی قانون اساسی انتخابات مجلس شورای ملی و رئیس جمهوری باشد. همچنین در این اوضاع کند ریستها و مقامهای مهم دولتی تغییر وتید یلاتی بوجود آمده هریک از دست

نی در استان دادگاه "انقلاب" آمل اظهار کرده است که "شکایات روستائیان بی مورد است و هیأت پنج نفری کمیسیون حل اختلافات آنها را محکوم کرد." ظاهراً دادگاه خواسته است به آتش زدن تراکتور و تیر اندازی زمینداران اعتراض نماید و بهمین جهت چهار نفر برادران احمدی زمینداران معروف را دستگیر و زندانی نمود. اما پس از چند روز آنها را آزاد مینمایند و بدین ترتیب با محکوم کردن مبارزه روستائیان جهت احقاق حقوق حقه خود و پشتیبانی از زمین داران، احکام ضد انقلابی و مرتجعانه خود را به ثبوت میرسانند.

بشد و هراس: دانش آموزان بندر عباس چندی است که به اعتصاب و تحصن دست زده اند. در این میان دانشجویان دانشسرای راهنمایی نیز به نشانه پشتیبانی با آنها پیوستند. اعتصاب کنندگان اعلام داشتند که تا تحقق خواستههایشان به اعتصاب و تحصن ادامه خواهند داد.

سینا پ: بدنیال بازداشت دوتن از دبیران این شهر دانش آموزان مدارس دست به اعتصاب زد و ضمن راهپیمائی و تظاهرات پشتیبانی خود را از بازداشت شدگان اعلام داشتند. آنها طی قطعنامه شش ماده ای این عمل دست اندرکاران

بند یهای مختلف درون جناح حاکم مذمبی میکوشند که سهم بیشتری برنند و تأیید آنچنان میتوانند یکدیگر را ازبیدار کنند.

۳- امروز موج عظیمی از مبارزه علیه امیرالایسم بویژه علیه امیرالایسم آمریکاد در سراسر میهن برخاسته است اشرفیت مذمبی بدلیل فوق الذکر از همه سو تلاش دارد که از این مبارزات توده مردم در جهت منافع انحصار طلبانه خود و بر علیه نیروهای انقلابی و بویژه کونیستهای بهره گیرد. ما هرگز نمیتوانیم بدلیل نیت و افراض مرتجعانه ای که جناح مذمبی حاکم در پشت این حرکات نهان دارند، به نفی این مبارزات توده مردم بپردازیم. ما در عین اینکه اهداف مرتجعانه انحصار طلبان مذمبی را افشا می کنیم و منظور و مقصود آنها را برای توده مردم بازگو می کنیم، قاطعانه اعلام میداریم که در تمام مبارزات ضد امیرالایستی ضد ارتجاع همراه توده مردم بود و خواهیم بود. توده مردم که امروز فریاد مرگ بر امیرالایسم آمریکا را در چهار گوشه میهن مابلند کرده اند، باید بداند که مبارزه علیه امیرالایسم آمریکا تنها به خواست استرداد شما جدا و مالش خلاصه نمیشود. برای قطع کامل نفوذ امیرالایسم از میهن عزیزمان ایران بی بایست پایگاههای آن در ایران را نابود کرد. یعنی بی بایست: الف - تمام مؤسسات تولیدی، توزیعی و پولی مربوط به سرمایه داری وابسته را بطور کامل منهدم کرد. ب - ارتش، پلیس و کلیه دستگاههای اداری که بر پایه حفظ سلطه امیرالایسم بنا شده اند را بسه عنوان یک سیستم امیرالایستی نابود کرد و مؤسسات

و دادستان انقلاب اسلامی شهر را محکوم کرد و خواستار آزادی زندانیان شدند. این دو دبیر بنامهای علی بهارنیا و علی نامی میباشند، که از طرف دادستان "انقلاب" بندر عباس متهم به ایجاد آشوب و اخلاگری میباشند. ضمناً این دو تن کسانی هستند که به ترکیب شورای شهر اعتراض کرده و آنرا نامردمی خوانده بودند. بدنیال این اعتراض کلیه دانش آموزان هم ارس از رفتن به سر کلاس خود داری نموده و اختناق و سانسور را بدست محکوم نمودند.

ملارد: چندی پیش روستائیان منطقه ملارد زمینهای "کبهد" را تصرف کرده و مباردت بسه کاشتن گندم نمودند. "کبهد" سرما به داریسزگ این منطقه است که در زمان رژیم فاشیستی شاه بزور زمینداران دهقانان گرفته و ضمن کشت در این زمینها سودهای هنگفتی بجیب میزد. در واقع روستائیان به عده دولت حامی ملاکان مبنی بر دادن زمین به آنها دل نبسته و آنها خود را سابه بازگیری زمینها از ملاکان اقدام مینمایند.

تبریز: در شنبه آبان دانش آموزان مدارس تبریز به پشتیبانی از خواستههای هنرجویان تبریز اقدام به تظاهرات نمودند. این تظاهرات با حمله

جدیدی بر بنیاد نوین که توده های خلق بوسیله ارگا نهایی شخص بر آن نظارت و کنترل کامل دارند، بوجو آورد.

ج - کلیه قرارداد های نظامی - اقتصادی - سیاسی را لغو کرد و اقتصاد مستقل و متکی به قدرت لایسزال توده های ریزی نمود.

اما قدرتمند ان کونی برای جلوگیری از ادامه مبارزات ضد امیرالایستی از همه سو میکوشند که این مبارزه را فقط در حد استرداد شاه خائن و اموالش محدود کنند. آنها حتی گام بگام میخواهند کار را به جاده پیلنگ بکشند.

۴ - در چنین اوضاعی امیرالایستهایناز بنگایسو افتاده اند تا شاید از آب گل آلود ماهی بگیرند سوسیال امیرالایسم روس هم بطور مستقیم و هم از طریق کارگزار بومی خود - حزب "توده" - مزورانه تلاش دارد که با استفاده از موقعیت متزلزل شده امیرالایسم آمریکا جای پای خود را در میهن ما محکم کرده و با آستانبوسی در پیش هیئت حاکمه و همچنین با نفوذ در جنبش ضد امیرالایستی توده مردم از طریق حزب توده میهن ما را بعرصه رقابت توسعه طلبانه خود با امیرالایسم آمریکا بنماید.

همچنین جناحهای مختلف امیرالایسم آمریکایعنی "دمکراتها" و "جمهورخواهها" نیز هر یک تلاش دارند از این اوضاع بفع خود در بهره گیری رقیب بهره گیرند.

گروههای فشار جماعت بدستان و روبرو شده که گفته ای ۲۰ مجروح بجای گذاشت. از طرفی افراد کمیته ۶ نیز به حمایت از جماعت بدستان وارد ماجرا شدند و با تیر اندازی "هوائی" کوشیدند تا دانش آموزان را متفرق نمایند. افراد کمیته دوشب قبل درشت ۲/۵ بعد از نیمه شب با حمله به آموزش و پرورش تبریز دوتن از هنرجویان متحصن را دستگیر کرده بودند که همین امر خشم و نفرت دانش آموزان را برانگیخته و موجب راهپیمائی شده بود.

مصلی: بدیلمه های بیکار این شهر پس از چندین بار مراجعه به فرمانداری، از آنجا یک مسئول هیچ قدمی در راه ایجاد کار برای آنها برنداشتند. در روز شنبه ۱۲ آبان باز هم به فرمانداری مراجعه کرد و چون طبق معمول پاسخ مثبتی دریافت نمیکند، پس از دعوت از کارمندان به بیرون آمدن از اداره به درب فرمانداری قفل زده و آنرا میبندند سپس به اداره آموزش و پرورش، دادگاه بخش، شهرداری نورآباد مصلی رفته و این مکانها را هم با قفل کردن درب تعطیل مینمایند. آنها انگیزه این حرکت خود را بی توجهی مسئولان به وضع خود ذکر کرده اند.

خلخال: بدیلمه های بیکار خلخال از ۴ آبان وارد تحصن شدند. در حالیکه مسئولان به خواستههای آنها توجهی نشان نمیدهند این تحصن همچنان ادامه دارد.

شرحی از ...

این مردك خائن بآنکه به تعدد بیشتری کارگر احتیاج دارد از همین کارگران بدست کار میکشد. در واقع درجه استثمار را این کارخانه بسیار زیاد می باشد. کارفرما از استخدا این کارگران با آوردن عذرو بهانه هائی نظیر اینکه وی بیسواد است و غیره امتناع میبورد. نیروی نیروی کارگر یاکستانی را فقط به روزی ۴۰ تومان میخرد. در این کارخانه اضافه کاری اجباری است. اخیراً از روز ۱۷ مهرا ماه کارگران ایرانی برای دریافت کامل حقوق خود اضافه کاری سرپاز ندیدند و بدین ترتیب کار آنها باعث میشود که کارگران یاکستانی هم نتوانند اغافه کاری کنند و خلاصه ضرورتیابی به جیب سرمایه دار خود. چندی قبل کارفرمای کارگر یاکستانی را که به کمی دستمزد خود اعتراض کرده و خواستار تساوی حقوق کارگران یاکستانی با ایرانی شده بود اخراج نمود.

وضع تغذیه در این کارخانه بقدر ناچوار است که اکثر کارگران آشغالهای را که ظهیر نامهمی خواهند بخورد آنها بدند نمیکشوند. روزی یکی از کارگران به بدی غذا اعتراض میکند. این جریان بکوش کارفرما میرسد. کارفرما علت اعتراض کارگر را بیسواد و کارگر هم میگوید بشرطی این غذا را میخورم که توهم بخوری و کارفرما هم که مسلمان نمیتوانست اینکار را بکند دیگر حرفی نمیزند.

پیام ...

بنابر این باتمام امکانات خود در این راه دست و پستی و همکاری همه سازمانهای مترقی و احزاب و افراد و شخصیتهای آزاد یخواه، انقلابی و ملی راه گرمی و فشار و در پیگاه تاریخ و خلقهای ایران تعهد می کند که در ستان را به صورت کانون مبارزات انقلابی و آزاد یخواهانه سرتاسر ایران در آورد. یکبار در تاریخ مشروطیت آن رایجسان قهرمان این وظیفه تاریخی را بر عهده گرفت، اینک بعد از هفتاد سال کرد ستان خونین تصمیم گرفته است که چراغ نیم مرد انقلاب ایران را با خون جوانان خویش د یگرا فروزان دارد.

در این راه سازمان انقلابی زحمتکشان کرد ستان ایران (کومه له) پیشنهاد میکند که جبهه مسلحی متحدی بر ضد امیرالایسم و فاشیسم و ارتجاع در سطح ایران تشکیل گردد و سازمان زحمتکشان (کومه له) پیمان بندد که همه نیروهای سیاسی و نظامی خود را در اختیار چنین جبهه واحدی قرار دهد. کرد ستان پایگاه بالقوه فعال همه نیروها و شخصیتهاست که جهنم خفقان آخوندی را در ششرو د یار خود نمیتوانند تحمل کنند.

پیش بسوی همبستگی انقلابی خلقهای ایران رنده باد جبهه واحد ضد امیرالایستی، ضد ارتجاعی و ضد فاشیستی در رود برحق انکار نباید بر مبلد در تعین سرنوشت خویش سلام به همه شهیدای راه آزادی ایران ایران *

مستحکمتر بنا و اتحاد همه کارگران علیه سرمایه داران

در شماره های قبل گوشه هایی از مبارزات کارگران بهیوش رانوشتم و اینک باز از مبارزات کارگران این کارخانه گزارشی داریم .

" قبل از هر چیز برای بهتر روشن شدن خبر اطلاعاتی در مورد شورای کارخانه در اختیار می گذاریم . در این کارخانه بعد از انقلاب کارگران شورائی تشکیل میدهند که ۷ نماینده در آن شرکت میکنند . اکثریت نماینده ها از عوامل کارفرما بوده و حتی سرپرستهای نیزه شوراها می یابند . بعد از مدتی کارگران خواهان اخراج یکی از نمایندگان بنام " سوری " که سرپرست می باشد میگردد و یکی از نمایندگان واقعی خود را به شورا میفرستند . در این مدت به علت درگیری هایی که با کارفرما و مدیر کارخانه " سوری " پیش می آید ، مدیر کارخانه با فریب دادن کارگران شورائی تشکیل میدهد بنام شورای کارکنان که اکثریت نمایندگان آنرا هم خود انتخاب می کند . بعد از مدتی " شدن کارخانه نماینده " دولت نیز به کارخانه راه می یابد . ناگفته نماند که به علت اشتغال کارگران زن در این کارخانه ۲ زن نیز به شورا میروند . ولی شورای دلیل وجود ۲ نفر از جاسوسان کارفرما را نمیتواند از پیش ببرد . در حدود ۳ هفته پیش کارگران که به ماهیت اعضای شورای سرورده بودند و جاسوسان کارفرما را در شورا شناخته بودند تصمیم به تشکیل شورای دیگری میگرفتند تا نمایندگان واقعی خود را به شورا بفرستند . در کارخانه انتخابات می شود و کارگران موفق می شوند که جاسوسان کارفرما ، آخوندی و محمد شاهی را از شورا اخراج کنند و بجای آنان نمایندگان واقعی خود را به شورا بفرستند . از همان روز عوامل کارفرما شروع به مخالفت با اعضای شورا کرده و سعی می کنند کارگران ناآگاه را علیه شورا بفریبند . در ضمن باید گفت که متأسفانه کارگران در این انتخابات متحده نبوده و همه باهم خواستار بقیه در صفحه ۹

و اقعی خود را به شورا بفرستند . در کارخانه انتخابات می شود و کارگران موفق می شوند که جاسوسان کارفرما ، آخوندی و محمد شاهی را از شورا اخراج کنند و بجای آنان نمایندگان واقعی خود را به شورا بفرستند . از همان روز عوامل کارفرما شروع به مخالفت با اعضای شورا کرده و سعی می کنند کارگران ناآگاه را علیه شورا بفریبند . در ضمن باید گفت که متأسفانه کارگران در این انتخابات متحده نبوده و همه باهم خواستار بقیه در صفحه ۹

اخبار کردستان

نقل از خبرنامه کومه له شماره ۵
سکر - در تاریخ ۵/۸/۵۸ تظاهرات عظیمی از طرف شورای دانش آموزان و معلمان در اعتراض باینکه خواسته های شان برآورده نشده است ترتیب یافت . اسلانی ترین خواسته های آنان که قیام عنوان شده بود بدین قرار بود :

- ۱- اخراج پاسداران - ۲- بازگشت تبعیدیه یها و اخراج شدگان ادارات آموزش و پرورش و سپه اری -
- ۳- آزادی سیاسی مردم ارس - ۴- اعاده ماشین چاپ بنک میوزانه و میفرمه نکی کورد (کانون احیاء فرهنگ خلق کرد) و دوباره دبیر شدن آن .
- تظاهر کنندگان بعد از جلسه ای تصمیم گرفتند که در ادارات دولتی متحصن شوند / پس از آن در ادارات آموزش و پرورش - مخابرات - ماکروبو و بانک ملی متحصن شدند / همچنین معازره های شهر سقز یعنی پشتیبانی از متحصنین مدت دو روز تعطیل شد .
- هیاتی از نمایندگان متحصنین شامل ۲ نفر از شورای دانش آموزان و یک نفر از معلمان اخراجی و یک نفر از معلمان شاغل که بدنیال انجام مذاکراتی در سقز برای توضیح نتیجه مذاکرات به سقز بازگشتند ، متحصنین بدنیال آن اعلام کردند بدلیل اینکه به همه خواسته های ما جواب مثبت داده نشد و تا حصول نتیجه نهائی و تحقق تمام خواسته هایمان به تحن ادامه خواهیم داد .

سپاه - در کنترل مردم و پیش- مرگان است . بدنیال درگیری های شدیدی / مهاباد از کنترل نیروهای اشغالگر نظامی و پاسدار اخراج شد . در این درگیری ها همه پیشمرگان از جمله پیشمرگان سازمان زحمتکشان (کومله) از هم کارایی دریغ مردم مبارز مهاباد برخوردار بودند . مردم دستگیرند و فراهم کردن تدارکات لازم برای پیشمرگان فعالانسه شرکت داشتند و سنگربه سنگر همراه پیشمرگان بانیرو- های اشغالگرومزدور میکنند . نظامیان و پاسداران بقیه در صفحه ۹

درباره اصول اقتصادی قانون اساسی

اصول قانون اساسی اگرچه از طرحان روی هندگان آن بخوبی ماهیتش روشن نمیشود ، اما از آنجا که این اصول خود نشان ماهیت اقتصاد خاصی را برپیشانی میهنی کوپاند ، لذا اهمیت خاصی دارا می باشد . معمولاً انقلابهای اجتماعی واقعی ، اقتصاد کهن را در هم می کوید ، اقتصاد نوین برپایه مینماید که پاسخگوی نیازها آن مرحله از تکامل اجتماعی باشد . امروز اگرخواهیم اصول اقتصاد ی حاکم بر مینمایان رارق برزیم نباید فراموش کنیم که این مملکت بیش از نیم قرن زیر سلطه امپریالیست ها قرار داشته و کماکان میتوان در رکیه شئون مملکتی بخصوص مؤسسات تولیدی و توزیعی جای پای امپریالیست ها بویژه امپریالیسم آمریکارادید . این خائنانه است اگر ر قانونگذاری آنچنان شیوه بیانی بنکار رود که گویا تا بحال کشور ما ایران مستقل بوده و تشنه اداری اقتصاد ی کهنه می بوده است . آیا مگر محصول وابستگی و سلطه سرمایه وابسته با امپریالیسم را در اقتصاد مملکت نمی بینیم ؟ صنعت مونتاژ ، تولید کالا های تحلی و غیر صرفی ، نابودی کشاورزی ، ایجاد شرکتهای کشت و صنعت وابسته و خود نمونه هایی از وابستگی اقتصاد ما به امپریالیست ها بوده و هنوز هم پایرجاست . نتیجتاً در قدم اول توقع میروند کبرای پایه ریزی یک اقتصاد سالم ، متکی بخود و مستقل و ملی بی مهابا و وابستگی به کشورهای امپریالیستی بویژه بقیه در صفحه ۷

نامه یک دانش آموز

" در روز ۲۵/۷/۵۸ با عده ای از بچه ها دست به اعتصاب زدیم و برای تشکیل شورای تحقق خواسته ها خود در حیاط شروع به راه رفتن کردیم و شعار می دادیم . معلم و ناظم مدرسه هر کدام آمدند نتوانستند از بچه ها بگریزند . بچه ها حاضر به کلاس رفتن نبودند و فقط معلم با سر کلاس رفتند . در این میان بچه ها با دادن شعارندگشتند که معلمها را بدهند . در نتیجه عده ای از معلمها به دفتر برگشتند شعارهای کمدار این روز می دادیم اینها بودند :

- معلم ، محصل ، اتحاد اتحاد
- مرگ برای آموزش سیاسی - مرگ برای ارتجاع کثونی
- آزادی آزادی برایت می جنگیم
- شهریه بد ارس لغا باید گردد
- و از این قبیل شعارها .

البته این کارها در رنگ اول انجام گرفت . ماضفائی تشکیل داده و در حیاط بدنیال هم براه افتاده و شروع به تظاهرات کردیم . در این میان رنگ تفریح زده شد و یکی از شاگردان داشت برایمان صحبت می کرد که معاون مدرسه آمده و میگوید که او اگر حرفی برای دوستانش درد میتواند از بلند گواستاده کند او را چندان نفرد بگیرد و تفرقه و برای بچه ها صحبت کردند . همه دم دفتر نشستم و حرفهای رفقایمان گوش میدادند . در این ضمن ما نیز خواسته هایمان را نوشته ویش از اینکه رنگ خورد شروع بخواندن کردیم خواسته هایمان این بود :

- اخراج معلمین مرتجع
- بخش اعلامیه در مدرسه
- آزادی بحث سیاسی در کلاس
- تشکیل شورا
- آزادی فروش روزنامه های سیاسی

همگی بچه ها با این خواسته ها موافق بودند . پس از خواندن این خواسته ها معلمها آنچه هاخواستند که سر کلاس بیرون ولی بچه ها همچنان مقاومت کردیم و از رفتن سر کلاس خود داری نمودند . یکی از معلم ها برای ترساندن بچه ها از نمرات درس آنها بچه هایی که باوی داشتند کم کرد . آرزو بدین ترتیب گذشت . فردای آنروز بچه ها سر کلاس آمده و از هر کلاس نماینده ای انتخاب کردند . ماهه میدادیم که نمیکند ارند شورا های واقعی خود را تشکیل بدیم و آنها بخواسته هایمان عمل نخواهند کرد . این راهم خوب میدانیم که آنها به هدف خود نخواهند رسید . ما به آنها یک هفته وقت داده بودیم که البته فردا این مهلت تمام است ولی ما تابه اهداف خود نرسیم دست بردار نخواهیم بود و همچنان بر خواسته های خود پافشاری خواهیم کرد . به امید روز بیروزی

رویدادها و اخبار کوتاه

شوشتر : روز ۳۱/۶/۵۸ کارگران مجتمع کنت و صنعت کارون شوشتر جهت تشکیل شورای مجتمع و تعیین وظائف آن جلسهای ترتیب دادند این عمل با مخالفت شدید مهندس اشتیری - سرپرست امور اجتماعی و کلاهدوز قائم مقام مدیر عامل روبرو شد . این عوامل که خود را در برابر حرکت یک پارچه کارگران دیدند از پاسداران در فلول کمک گرفته و ۱۰ نفر از کارگران را به اتهام اغتشاش و تحریک و آشوب دستگیر و به زندان کمپته در فلول منتقل نمودند و پس از ۳ روز آنها را آزاد می نمایند . اما پس از بازگشت به شوشتر مسئولان مرتجع از قبول دوباره کارگران اخراجی سر باز میزنند و ایسن

کار و سازماندهی در میان طبقه کارگر

انقلاب امر توده های میلیونی مردم است اما برای اینکه مبارزات مردم واقعاً به یک انقلاب اجتماعی ، نه تغییرات زودگذر و ظاهری ، منجر گردد باید یک هسته رهبری کننده و متشکل از بهترین و بیشترین افراد خلق زحمتکش موجود باشد که باتمام توده ها متصل بوده و بتواند به مبارزات آنها آگاهی سیاسی ببخشد . در حکم از اینجا استنتاج میشود :

- ۱- اکثریت توده مردم باید به ضرورت انقلاب پی برده باشند و آماد باشند در راه آن بزرگترین فداکاری ها و عملیات انقلابی را به نفع ظهور بگردانند .
- ۲- حزب کمونیست باید هسته رهبری کننده تمام این مبارزات را تشکیل دهد . حزب واقعاً زمانی میتواند هسته رهبری کننده باشد که بوسیله هزاران تسمه مرئی و نامرئی با مجموعه مبارزات مردم متصل شده باشد . یعنی در میان توده مردم دارای نفوذ و اعتبار باشد ، کارها و اعضا حزب از طریق اتحادیه های کارگری ، جمعیت های محلی و شهری ، سازمانهای توده ای و همچنین نفوذ در روستا بتوانند در رأس مبارزات مردم قرار گیرند و واقعاً پیشقراول آن باشند . همچنین برای اینکه مردم هر چه آگاهانه تر و زود تر به ضرورت انقلاب پی برند حزب باید از طریق اعلامیه ، روزنامه ، شبنامه ، تبلیغات شفاهی آنها را از نظر فکری و ذهنی پرورش دهد .

حال با این پیشگفتار به اوضاع درون جامعه بیرود اژد جنش کمونیستی میهن ما در ارای ضعیفها و کمبود های بسیاری است . از قبیل :

- * - تفرقه آید و تلوو یک - سیاسی - تشکیلاتی که غالباً به خرد و کاری و هرز رفتن نیروها منجر می گردد .
- * - ضعف تشویریک که موجب عدم تحلیل صحیح از اوضاع شده و لاجرم کمونیست ها نمیتوانند در پینا پیش عمل توده ها حرکت کنند .
- * - عدم داشتن پیوند فشرده با توده ها که بتوانند مبارزات آنها را سازماندهی کنند و آنها را از زیر نفوذ آید و تلوو بیروزی برهانند . بقیه در صفحه ۸

۳۲۰ تومان حق مسکن را بقیه در صفحه ۱۱

پیش درجهت اتحاد حزب کمونیست

ارشو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر